

انتگرالگو



عربی دوازدہم

ویراست دوم

محسن آھویی، عرفان جالبزی



کبه غذای محبوب عربی

درسنامه
سؤال محور

سؤالات
تألیفی

سؤالات
امتحانی

آزمون نیم سال
و پایان سال

پاسخهای
تشریحی

تقدیم به تویی که همراه روزهای خوب و هم‌دل خوب روزهایم
بودی و هستی.

«آن‌چنان مهر توام در دل و جان جای گرفت
که اگر سر برود، از دل و از جان نرود»

محسن آهوپی



تقدیم به «او» که در وصفش جناب سعدی (علیه‌الرحمه)
چنین گفته‌اند:

«چون دل ببردی دین مبر، هوش از من مسکین مبر
با مهربانان کین مبر، لا تَقْتُلُوا صِیدَ الحَرَمِ»
«او» که حضور و وجودش، مایه آرامش و سرور لحظه لحظه
زندگی‌ام است.

عرفان جالیزی



مقدمه

به نام او که منشأ «تمام» خوبی‌هاست

به احتمال زیاد تا به امروز، بارها و بارها با اپلیکیشن‌های مسیریاب کار کردین و تا حدودی به سازوکارشون آشنایین. این اپلیکیشن‌ها در «تمام» مسیر شما رو همراهی می‌کنن و «تمام» تلاششون اینه که شما رو در کوتاه‌ترین زمان و سریع‌ترین مسیر به مقصد برسون. حتماً تا الان براتون پیش اومده که به کمک این برنامه‌ها داشتن به مسیری رو می‌رفتن و به جایی رو اشتباه پیچیدین و همون موقع می‌بینین که اون نرم‌افزاره صداش در اومده و داره «تمام» راه‌های جایگزین رو جست‌وجو می‌کنه تا به مسیر جدید بهتون بده که دوباره بتونین در به مسیر درست و درمون به مقصد برسین. راستش رو بخواین کتاب عربی دوازدهم «۲۰ تمام» هم به حالتی شبیه به این اپلیکیشن‌های مسیریابیه که:

- ❖ اولاً تلاش می‌کنه به راحت‌ترین شکل ممکن شما رو با خودش همراه کنه؛
 - ❖ ثانیاً، در سریع‌ترین زمان ممکن «تمام» درس‌ها رو براتون جمع‌وجور کنه؛
 - ❖ ثالثاً، به منبع مطمئنه که نمی‌ذاره در طول این مسیر، راه رو اشتباه برین یا مقصدتون رو گم کنین.
- در کتاب عربی دوازدهم «۲۰ تمام» که الان دارین مقدمه‌اش رو می‌خونین سعی شده که:
- ❶ درس‌نامه هر درس به‌طور کامل به همراه مثال‌های متنوع و متعدد آورده شود.
 - ❷ متن هر درس علاوه بر ترجمه کلمه به کلمه و روان، در برگیرنده محل اعرابی (نقش دستوری) تک‌تک کلمات نیز باشد که سهم قابل توجهی از بارم امتحان نهایی را داراست.
 - ❸ «تمام» تمرین‌های کتاب درسی به همراه ترجمه آن‌ها حل و بررسی شود.
 - ❹ بیش از ۲۷۰۰ تمرین طبقه‌بندی شده تشریحی منطبق بر اهداف کتاب درسی به همراه پاسخ‌نامه خیلی خیلی تشریحی با تجزیه و تحلیل دقیق محتوای امتحانات نهایی برگزار شده، تألیف شود که پاسخگوی «تمام» نیازهای شما در امتحان‌های داخلی و نهایی خواهد بود.
 - ❺ «تمام» سؤالات امتحان‌های نهایی سال‌های اخیر به صورت درس‌به‌درس در لابه‌لای تمرین‌ها آورده شود.
 - ❻ در انتهای هر درس، بخشی با عنوان «آنچه گذشت» آورده شود که می‌تواند مناسب‌ترین مرجع جهت بازآموزی و حل تمرین بیشتر از دروس قبلی باشد.
 - ❼ مجموعاً ۲۲ آزمون، مشابه ساختار امتحان نهایی به‌صورت درس‌به‌درس، نوبت اول و دوم (نهایی) به همراه کلید و ریزبارم‌بندی تدوین شود.
 - ❽ با توجه به اینکه سهم نسبتاً چشم‌گیری از سؤال‌های امتحان‌های نهایی به‌طور مستقیم از برخی مباحث پایه‌های دهم و یازدهم طراحی می‌شود، در ابتدای کتاب، درسی تحت عنوان «الدَّرْسُ الصَّغَرُ» تألیف شود تا تضمین‌کننده نمره «۲۰» تان باشد.
- در پایان لازم می‌دانیم از همکاران ارزشمندمان در انتشارات الگو، خانم ستین مختار مدیر واحد ویراستاری و حروفچینی و خانم مریم احمدی برای حروفچینی و صفحه‌آرایی کتاب تشکر و قدردانی کنیم. همچنین از سرکار خانم منیژه خسروی و جناب آقای سید بشیر حسین‌زاده که زحمت ویراستاری علمی کتاب را تقبل فرمودند، سپاس‌گزاری کنیم.
- مع الوصف؛ از تمام صاحب‌نظران، اساتید گرانقدر و دانش‌آموزان تلاشگر سراسر کشور خواهشمندیم این اثر را از انتقادات و پیشنهادهای سازنده خویش محروم نساخته و ما را در بهبود اثر بخش آن یاری رسانند.

یا علی

دوست‌دارانتان؛ محسن آهویی - عرفان جالیزی

فهرست مطالب

درس نامه و تمرین های تشریحی

الدَّرْسُ الصَّغِيرُ: التَّذْكَارُ ۱

تمرین های پایان درس ۱۲

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: الْدِّينُ وَ التَّدِينُ ۲۷

تمرین های پایان درس ۴۲

سؤالات امتحان نهایی درس اول (۱) ۵۷

سؤالات امتحان نهایی درس اول (۲) ۶۰

الدَّرْسُ الثَّانِي: مَكَّةُ الْمُكَرَّمَةِ وَ الْمَدِينَةُ الْمُنَوَّرَةُ ۶۳

تمرین های پایان درس ۷۷

سؤالات امتحان نهایی درس دوم (۱) ۹۵

سؤالات امتحان نهایی درس دوم (۲) ۹۷

آزمون ترم اول (۱) ۹۹

آزمون ترم اول (۲) ۱۰۱

آزمون ترم اول (۳) ۱۰۳

آزمون ترم اول (۴) ۱۰۵

آزمون ترم اول (۵) ۱۰۷

آزمون ترم اول (۶) ۱۰۹

الدَّرْسُ الثَّلَاثُ: الْكُتُبُ طَعَامُ الْفِكْرِ ۱۱۱

تمرین های پایان درس ۱۳۰

سؤالات امتحان نهایی درس سوم (۱) ۱۵۲

سؤالات امتحان نهایی درس سوم (۲) ۱۵۴

الدَّرْسُ الزَّائِعُ: الْفَرْزْدَقُ ۱۵۷

تمرین های پایان درس ۱۷۴

سؤالات امتحان نهایی درس چهارم (۱) ۱۹۵

سؤالات امتحان نهایی درس چهارم (۲) ۱۹۷

آزمون ترم دوم (۱) ۱۹۹

آزمون ترم دوم (۲) ۲۰۱

آزمون ترم دوم (۳) ۲۰۳

آزمون ترم دوم (۴) ۲۰۵

آزمون ترم دوم (۵) ۲۰۷

آزمون ترم دوم (۶) ۲۰۹

امتحانات نهایی

امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۴ ۲۱۱

امتحان نهایی تیر ۱۴۰۵ ۲۱۳

پاسخ های تشریحی

پاسخ تشریحی تمرین های پایان درس ۲۱۶

پاسخ تشریحی سؤالات امتحان نهایی و آزمون ها ۲۸۸

پاسخ تشریحی امتحان نهایی خرداد ۱۴۰۴ ۳۲۹

پاسخ تشریحی امتحان نهایی تیر ۱۴۰۵ ۳۳۰

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

حروف مشبهة بالفعل

إِنَّ، أَنْ، كَأَنَّ، لَيْتَ، لَكِنَّ، لَعَلَّ

❖ لَعَلَّ الطَّالِبَ يُدْرِكُ قِيَمَةَ الْوَقْتِ. (امید است دانش‌آموز ارزش وقت را درک کند). ✓

❖ لَعَلَّكُمْ تُدْرِكُونَ قِيَمَةَ الْوَقْتِ. (امید است شما ارزش وقت را درک کنید.) ✓

❖ لَعَلَّ يُدْرِكُ قيمةَ الوقتِ. ❖

ویژگی‌های حروف مشبّهة بالفعل



🔹 جایگاه: در عربی و ترجمه فارسی در ابتدای جمله می‌آید.

کاربرد: تأکید در کل جمله اسمیه بعد خود دارد (يُؤَكِّدُ الْجُمْلَةَ بِأَجْمَعِهَا). **مانند** إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ. (قطعاً بت صحبت نمی کند).

۴ نکته: عدم ترجمهٔ «إِنَّ» در جمله نیز صحیح است.

🔥 کلمه مشابه: «إِنْ» (اگر) از حروف جازم دو فعل (شرط) است و قبل از فعل به کار می‌رود. «إِنَّ» (قطعاً، بی‌شک و ... از حروف مشبهة بالفعل قبل از یک اسم یا ضمیر متصل می‌آید.

نکته «إِنَّمَا» به معنی «فقط، تنها» از حروف مشبّهة بالفعل نیست. «إِنَّ» فقط قبل اسم می آید ولی «إِنَّمَا» هم قبل اسم و هم قبل فعل می آید. «إِنَّمَا» به معنی

«فقط، تنها» در جملات اسمیه، قبل خبر ترجمه می‌شود. **مانند**

❖ **إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ.** (سرپرست شما فقط خداست).

❖ **إِنَّمَا النَّاسُ لِيَّامٌ وَلِأَب.** (مردم تنها از یک پدر و مادر هستند).

۱ ترجمه: که

۲ جایگاه: در وسط جمله می‌آید.

۳ کاربرد: ارتباط و اتصال میان جملات را برقرار می‌کند (يربطُ الجملتين). **مانند** أَنْتَ تَعْلَمِينَ أَنَّ رَجُلِي تَوَلَّيْنِي. (تو می‌دانی که پام درد می‌کند).

🔹 **کلمه مشابه:** «أَنَّ» (که) از حروف ناصبه است و قبل از فعل به کار می‌رود. «أَنَّ» (که) از حروف مشبّهه بالفعل قبل از یک اسم یا ضمیر متصل می‌آید.

«لأنَّ» به معنی «زیرا، برای اینکه» نیز از حروف مشبهة بالفعل به حساب می‌آید که در ابتدای جمله به کار می‌رود و غالباً در مقابل سؤال

«لماذا؟» (برای چه، چرا) می‌آید. مانند

❖ لِمَاذَا لَا تَذْهَبُ الْيَوْمَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟ لِأَنَّنِي مَرِيضٌ بَشَدَّةٍ. (حِجْرًا امْرُوزَ بِهِ مَدْرَسَهُ لَا يَمُرُّ مِنْهُ بِشَدَّةٍ بِيَمَارِهِ.)

تفاوت «إِنَّ، اَنَّ، اُنَّ، اُنْ»		
حرف	نوع	جایگاه و عمل
إِنَّ	حرف مشبّهة بالفعل	قبل از اسم / اول جمله / برای تأکید در جمله
اَنَّ	حرف مشبّهة بالفعل	قبل از اسم / وسط جمله / برای ارتباط میان دو جمله
اُنَّ	حرف شرط	قبل دو فعل ماضی یا مضارع مجزوم / اول جمله
اُنْ	حرف ناصبه	قبل فعل مضارع منصوب / وسط جمله

۱- همانطور که در جملات مشخص است، این حروف از نظر اعرابی بر ابتدای جمله اسمیه اثر می‌گذارند. در چنین جملاتی که با حروف مشابهه بالفعل آغاز شده محل اعرابی مبتدا و خبر وجود ندارد و محل اعرابی جدیدی وجود دارد. البته این موارد از اهداف آموزش کتاب درس نیست و نیازی به یادگیری آن‌ها نیست.

۲- این حروف قبل از ضماائر منفصل نمی آیند و فقط قبل از اسم و یا ضمیر متصل آورده می شوند. **مانند** اِنْكَمْ تَذْهَبُوْنَ. اِنَّ اَنْتُمْ تَذْهَبُوْنَ.

سؤال عَيْنَ الصَّحِيحِ فِي حَرَكَةِ «ان» فِي هَذِهِ الْجُمْلَةِ: «انْ أَكْثَرَ النَّاسِ يَعْتَقِدُونَ انَّ الْإِسْلَامَ مَنَعَ الْمَرْأَةَ انْ تَحْضَرَ فِي الْمَجْتَمَعِ».

- (۱) اِنْ - اِنْ - اَنْ □ (۲) اِنْ - اَنْ - اَنْ □ (۳) اَنْ - اِنْ - اَنْ

پاسخ گزینه (۲) - در این جمله سه مورد «ان» آمده است. اولی: ابتدای جمله و قبل اسم است پس «اِنَّ» است. دومی: وسط جمله و قبل اسم است پس «اَنْ» است. سومی: وسط جمله و قبل یک فعل مضارع منصوب است پس «اَنْ» است.

كَانَ

- ۱ ترجمه: گویا، مثل اینکه، انگار
- ۲ کاربرد: غالباً برای بیان تشبیه به کار می‌رود. **مانند** ﴿كَانَ هَاجِرًا﴾ و ﴿كَانَ يَأْكُلُ﴾ آنان مانند یاقوت و مرجان هستند.
- ۳ کلمه مشابه: «كان» افعال ناقصه را با «كَانَ» حرف مشبهة بالفعل اشتباه نکنید.

لَكِنَّ

- ۱ ترجمه: ولی، اما
- ۲ جایگاه: در وسط جمله به کار می‌رود.
- ۳ کاربرد: برای رفع ابهام در جمله و تکمیل کننده جمله ماقبل خود است. **مانند**

➤ حَضَرَ السَّيَّاحُ فِي الْمَطَارِ لَكِنَّ الدَّلِيلَ لَمْ يَحْضُرْ. (گردشگران در فرودگاه حاضر شدند ولی راهنما حاضر نشد.)
- ۴ کلمات مشابه: «لَكِنَّ» حرف مشبهة بالفعل نیست و می‌تواند قبل فعل نیز بیاید. همچنین «لَكَنَّ» جار و مجرور (لا جازه + ضمیر متصل «كَنَّ») به معنی «برای شما» است ولی «لَكِنَّ» حرف مشبهة بالفعل است. توجه به ترجمه و مفهوم عبارات راه گشا است. **مانند**

➤ اِشْتَرَيْتُ مِنْ هَذَا الْمُتَجَرِّ لَكَنَّ هَدَايَا جَمِيلَةً. (از این مغازه برای شما هدیه‌های زیبایی خریدم.) «لَكَنَّ» حروف مشبهة بالفعل نیست.

➤ اِشْتَرَيْتُ لَكَ هَدَايَا جَمِيلَةً وَلَكِنَّكَ لَمْ تَقْبَلْ. (هدیه‌های زیبایی برای تو خریدم ولی تو قبول نکردی.) «لَكَنَّ» حروف مشبهة بالفعل است.

لَيْتَ

- ۱ ترجمه: کاش، ای کاش
- ۲ کاربرد: برای بیان آرزوی دور از دسترس (التَّمَنِّي) و غیرممکن (لا نرجو وقوعه) و گاهی برای بیان حسرت به کار می‌رود. **مانند**

➤ لَيْتَ الشَّبَابَ يَرْجِعُ مَرَّةً أُخْرَى. (ای کاش جوانی بار دیگر برگردد.)
- ۳ کلمه مشابه: «لَيْسَ» (نیست) از افعال ناقصه است ولی «لَيْتَ» (ای کاش) از حروف مشبهة بالفعل می‌باشد.

لَعَلَّ

- ۱ ترجمه: شاید، امید است
- ۲ کاربرد: برای بیان امیدواری و رجاء (التَّرَجُّي) و آرزوی ممکن و قابل دستیابی (نرجو وقوعه) و گاهی بیان شک و تردید در تحقق موضوعی به کار می‌رود. **مانند**

➤ لَعَلَّ السَّابِقِينَ يَنْجَحُونَ فِي هَذِهِ الْمَسَابَقَةِ. (امید است بازیکنان در این مسابقه موفق شوند.)

سؤال اِنتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ:

- الف) أَبْتَعِدُ مِنَ الْمَعَاصِي فِي الْحَيَاةِ.
- (۱) لَكِنِّي □ (۲) لَعَلَّنِي □ (۳) اَنْ
- ب) يَرْجُو الْمُزَارِعُ وَيَقُولُ: «..... الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا».
- (۱) كَان □ (۲) لَيْت □ (۳) لَعَلَّ
- ج) أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقِ الْحَسَنُ.
- (۱) اِنْ □ (۲) اَنْ □ (۳) اِنَّ

پاسخ الف) گزینه (۲): لَعَلَّنِي - دو حرف مشبهة بالفعل «لَكِنَّ» و «اَنْ» وسط جمله می‌آیند.

ب) گزینه (۳): لَعَلَّ - فعل «يَرْجُو» به معنی «امید دارد» است و برای امید و آرزوی ممکن «لَعَلَّ» به کار می‌رود.

ج) گزینه (۳): اِنَّ - «اِنَّ» در ابتدای جمله و قبل از اسم به کار می‌رود.

سؤال عَيْنِ الْمُنَاسِبِ حَوْلَ الْحُرُوفِ الْمُشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ:

(الف) حَضَرَ السِّتَاحُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ لَكِنَّ الدَّلِيلَ لَمْ يَحْضُرْ.

(۱) یرفع الإبهام (۲) الرجاء (۳) تأکید الجملة

(ب) «كَانَتْ هُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ»

(۱) يَكْمَلُ جملة ما قبلها (۲) التشبيه (۳) التَّمَتِّي

(ج) لَعَلَّ الطَّلَابَ فِي هَذِهِ الْمَدْرَسَةِ يُدْرِكُونَ قِيَمَةَ الْوَقْتِ.

(۱) الحسرة (۲) لا نرجو وقوعه (۳) نرجو وقوعه

(د) «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ»

(۱) يُؤَكِّدُ عَلَى الجملة بأجمعها (۲) يربط الجملتين (۳) للشرط

پاسخ (الف) گزینه (۱) (ب) گزینه (۲) (ج) گزینه (۳) (د) گزینه (۱)

نکته ترجمه «لَيْتَ» و «لَعَلَّ»:

«لَيْتَ» و «لَعَلَّ» + مضارع ← مضارع التزامی فارسی مانند

لَيْتَ الْمَوْدَّةَ تَشْتَقِرُ بَيْنَ النَّاسِ. (کاش دوستی در میان مردم جای بگیرد.)

لَعَلَّ الْمَعْلَمَ يَقْبَلُ وَاجِبَاتِي. (امید است معلم، تکالیف مرا بپذیرد.)

سؤال اِنتَخِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ:

تَمَنَّى الْمُزَارِعُ: «لَيْتَ الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا»

(۱) کشاورز آرزو کرد: «کاش خیلی باران ببارد» (۲) کشاورز آرزو می کند: «ان شاء الله باران بسیار نازل می شود»

پاسخ گزینه (۱) - «تَمَنَّى» فعل ماضی باب «تَفَعَّلَ» و به معنی «آرزو کرد» است، ضمناً «لَيْتَ» همراه فعل مضارع به صورت مضارع التزامی (ببارد) ترجمه می شود.

لَا نفي جنس

این حرف «لا» قبل از اسم می آید برای نفي کردن آن اسم به کار می رود و معنی «هیچ ... نیست» دارد. از نظر مفهومی نفي مطلق است و دارای شدیدترین نفي است. مانند

لا شيء أحسن من عفو. (هیچ چیزی بهتر از گذشت نیست.)

لا فقر أصعب من الجهل. (هیچ فقری سخت تر از نادانی نیست.)

نکته «لَيْسَ» به معنی «نیست» و «لا» نفي جنس به معنی «هیچ ... نیست» است. مانند

ليس في المدرسة طالب. (دانش آموزی در مدرسه نیست.) لا طالب في المدرسة. (هیچ دانش آموزی در مدرسه نیست.)

سؤال في أي عبارة يوجد «لا» النافية للجنس:

(۱) لا دين لمن لا عهد له. (۲) لماذا لا تكتب درسك؟ (۳) لا يحزنك قولهم.

پاسخ گزینه (۱) - در این جمله «دين» اسم است پس «لا» از نوع نفي جنس است. در گزینه (۲) «لا» از نوع نفي و در گزینه (۳) «لا» از نوع نهي است.

انواع لا

۱ «لا» ناهية: قبل فعل مضارع می آید و آخر فعل مضارع را مجزوم می کند. از نظر ترجمه اگر فعل مضارع مخاطب (صيغة ۲ تا ۱۲) باشد، به صورت امر (دستوری)

منفی ترجمه می شود و اگر فعل مضارع غائب و متکلم (صيغة ۱ تا ۶ و ۱۳ و ۱۴) باشد، به صورت «نباید + مضارع التزامی» ترجمه می شود. مانند

لا تتكلموا: نباید صحبت کنند لا تتكلموا: صحبت نکنید

لا يتزك: نباید رها کند لا تتزك: رها نکن

۱- منظور از مجزوم کردن آخر فعل، تغییرات زیر است:

صيغه هایی که آخرشان «ة» دارد (۱، ۴، ۷، ۱۳ و ۱۴)، ضمه به ساکن تبدیل می شود. مانند تَكْتُبُ ← لا تَكْتُبْ

صيغه هایی که آخرشان «ن» دارد (۲، ۳، ۵، ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱)، این نون حذف می شود. مانند تَكْتُبُونَ ← لا تَكْتُبُوا

دو صيغة جمع مؤنث (۶ و ۱۲) آخرش هیچ تغییری ندارد. مانند تَكْتُبْنَ ← لا تَكْتُبْنَ

۲ «لا» نافیة: این «لا» نیز قبل فعل مضارع می‌آید و تغییری در انتهای فعل ایجاد نمی‌کند و به صورت منفی فعل مضارع ترجمه می‌شود. **مانند**

- ❖ لا يَتَكَلَّمُونَ: صحبت نمی‌کنند ❖ لا تَتَكَلَّمُونَ: صحبت نمی‌کنید ❖ لا أَتَكَلَّمُ: صحبت نمی‌کنم
❖ لا يَتْرُكُ: رها نمی‌کند ❖ لا تَتْرُكُ: رها نمی‌کنی ❖ لا تَتْرُكُ: رها نمی‌کنیم

۳ «لا» نفی جنس: قبل اسم می‌آید و معنی «هیچ نیست» دارد. **مانند**

- ❖ لا شيءَ أَضَرُّ مِنَ الْجَهْلِ. (هیچ چیزی از نادانی مضرت‌تر نیست.) ❖ لا كَنْزَ أَغْنَى مِنَ الْقَنَاعَةِ. (هیچ گنجی بی‌نیازکننده‌تر از قناعت نیست.)

۴ «لا» جوابیه (به معنی نه): در پاسخ منفی به استفهام «هَلْ» و «أ» (آیا) می‌آید و به معنی «نه» است. **مانند**

- ❖ هَلْ تَتَكَلَّمُ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ؟ لا، أَتَكَلَّمُ بِاللُّغَةِ الْفَارْسِيَّةِ. (آیا به زبان عربی صحبت می‌کنی؟ نه، به زبان فارسی صحبت می‌کنم.)

سؤال عَيْنِ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ:

(الف) ﴿وَلَا يَحْزُنُكَ قَوْلُهُمْ، إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً﴾

□ (۱) گفتارشان نباید تو را غمگین کند، زیرا ارجمندی همه از آن خداست.

□ (۲) گفتارشان تو را غمگین نمی‌کند، قطعاً همه ارجمندی برای خدا است.

(ب) لَا تَطْعَمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ.

□ (۱) از آنچه نمی‌خورید به تهی‌دستان طعام ندهید. □ (۲) از آنچه نخورده‌اید نباید به تهی‌دستان طعام بدهید.

(ج) لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفَعْلِ.

□ (۱) در گفتار بی‌عمل هرگونه خیری نمی‌باشد. □ (۲) هیچ خیری در گفتار بدون کردار نیست.

پاسخ الف) گزینه (۱) - «لَا يَحْزُنُ» نهی غائب است و به صورت «نباید + مضارع التزامی» ترجمه می‌شود.

ب) گزینه (۱) - «لَا تَطْعَمُوا» نهی مخاطب است و به صورت دستوری منفی ترجمه می‌شود. ضمناً «لَا تَأْكُلُونَ» مضارع منفی است.

ج) گزینه (۲) - «لا» از نوع نفی جنس است و در ترجمه به صورت «هیچ نیست» است.

ویژگی‌های اسم بعد «لا» نفی جنس

اسمی که بعد لای نفی جنس می‌آید:

- ۱ «ال» نمی‌گیرد. ۲ «تنوین» نمی‌گیرد.
۳ «نکره» است. ۴ همیشه فتحه «ـَ» دارد.

سؤال عَيْنِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ: لا لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا.

□ (۱) عَلِمَ □ (۲) الْعِلْمَ □ (۳) عَلِمًا

پاسخ گزینه (۱) - اسم بعد لای نفی جنس «ال» و «تنوین» نمی‌گیرد و حرکت فتحه «ـَ» دارد.

نکته عباراتی مانند «لَا بَدَّ، لَا بَأْسَ، لَا شَكَّ» از نوع لای نفی جنس است و ترجمه بدون قید «هیچ» اشکالی ندارد.

ترجمه عبارت‌های بالا به ترتیب عبارت است از: «چاره‌ای نیست (به ناچار)، اشکالی ندارد، شکی نیست (بدون شک)»

نکته اگر پس از «لا» نفی جنس، فعلی در جمله آمده باشد آن فعل به صورت منفی ترجمه می‌شود. **مانند**

- ❖ لَا طَالِبٌ ذَهَبَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ فِي أَيَّامِ كُورُونَا. (هیچ دانش‌آموزی در ایام کرونا به مدرسه نرفت.)

«هیچ» در زبان عربی

۱ «لا» نفی جنس **مانند** لَا سَوْءَ أَسْوَأَ مِنَ الْكَذْبِ. (هیچ بدی، بدتر از دروغ نیست.)

۲ «ما» + «مِنْ» + اسم نکره **مانند** مَا مِنْ رَجُلٍ (هیچ مردی نیست)

۳ «أَيَّ» + اسم نکره مفرد در جمله منفی **مانند** لَا أَسَاعِدُ أَيَّ مَغْرُورٍ. (به هیچ مغروری کمک نمی‌کنم.)

سؤال عَيْن «لا التَّافِيَةِ لِلْجِنْس - لا ناهية - الحرفِ الْمُشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ» في العباراتِ التَّالِيَةِ:

- (۱) ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ (۲) لا سوءَ أسوأَ مِنَ الْكِذْبِ. (۳) لَا تَأْخُذُوا بِالْبَاطِلِ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ.
(۴) ﴿كَانَتْهُمْ بُيُوتٌ مَرْصُوصٌ﴾ (۵) إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَاقِلٍ ثَابِتٍ. (۶) لَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ.
(۷) ﴿إِنْ تَتُوبُوا اللَّهُ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ﴾

پاسخ (۱) لَا تَحْزَنْ: لای نهی / إِنَّ: حرف مشبهة بالفعل
(۲) لا سوء: لای نفی جنس
(۳) لَا تَأْخُذُوا: لای نهی
(۴) «إِنَّمَا» از حروف مشبهة بالفعل محسوب نمی‌شود.
(۵) «إِنَّمَا» از حروف مشبهة بالفعل محسوب نمی‌شود.
(۷) إِنَّ حرف شرط است و از حروف مشبهة بالفعل نیست.

لغات و کلمات درس اول

لغت	ترجمه و توضیحات	لغت	ترجمه و توضیحات	لغت	ترجمه و توضیحات
أَحْضَرَ	حاضر کرد، آماده کرد (مضارع: يُحْضِرُ / أمر: أَحْضِرْ / إحصار)	حَمَلَ	تحمیل کرد (مضارع: يُحْمَلُ / أمر: حَمَلْ، مصدر: تحمیل)	الْقَرَابِين	قربانی‌ها (مفرد: الْقَرَبَان)
الأصنام	بت‌ها (مفرد: صَنَم)	الْحَنِيف	یکتاپرست	قَذَفُوا	انداختند (ماضی: قَذَفَ / مضارع: يَقْذِفُ / أمر: اقْذِفْ)
أَقِم	به پا دار (فعل أمر از «أقام» / أقامَ / يُقِيمُ)	زَمِيل	همکلاسی، همشاگردی، همکار	الْقَصِير	کوتاه
أَقِمْ وَجْهَكَ	روی بیاور	السُّدَى	باطل، بیهوده، بی‌هدف	الْكَيْف	کُتِف، شانه (جمع: أَكْتاف)
اِكْتَشَفَ	کشف کرد (مضارع: يَكْتَشِفُ / أمر: اِكْتَشِفْ / مصدر: اِكْتِشَاف)	السَّيْرَة	روش، شیوه زندگی	كَسَّرَ	شکست (يُكْسِرُ / أمر: كَسِّرْ / مصدر: تَكْسِير)
آلِهَة	خدایان (مفرد: اله)	شُعُوب	ملت‌ها (جمع: الشَّعْب)	الْكُتُول	تنبل
بَدَّوْا يَتِهَامِسُونَ	شروع به پیچ کردند	الصَّرَاع	مبارزه، کشمکش (مصدر از فعل «صارَع» - يُصَارَعُ)	لا تُدْرِكُ	درک نمی‌شود (فعل مجهول)
الْبَعَث	رستاخیز، برانگیختن	ظَنُّوا	گمان کردند (مضارع: يَظُنُّ)	مَفْسَدَةٌ	مایه تباهی
بُيُوتٌ مَرْصُوصٌ	ساختمانی استوار	العَصَب	پی	مُكْسَرَة	شکسته شده (اسم مفعول)
تَجَنَّبَ	دوری کردن (مصدر: تَجَنَّبَ / يَتَجَنَّبُ)	العَظَم	استخوان	مَكْسُور	شکسته شده
تَذْيِين	دین‌داری (مصدر باب «تَفَعَّل»)	عَلَّقَ	آویزان کرد (مضارع: يُعَلِّقُ / أمر: عَلِّقْ / مصدر: تَعْلِيق)	التَّنَسُّب	دودمان، نَسَب
تَرَاهُمْ	آن‌ها را می‌بینی (تَرَى + هُمْ)	عَلَى	هدف	النُّقُوش	کنده کاری‌ها، نگاره‌ها (مفرد: نَقْش)
حَدَّثَ	صحبت کرد (مضارع: يُحَدِّثُ / أمر: حَدِّثْ / مصدر: تَحْدِيث)	الْفَاخِر	افتخارکننده	يُبَيِّنُ	آشکار می‌سازد (ماضی: بَيَّنَّ / أمر: بَيِّنْ / مصدر: تَبْيِين)
حَرَّقُوا	بسوزانید (ماضی: حَرَّقَ / مضارع: يُحَرِّقُ / مصدر: تَحْرِيق)	الْفَاس	تبر	يَدُلُّ	دلالت می‌کند (دَلَّ: دلالت کرد)
الحَضَارَات	تمدن‌ها (الحَضَارَة: تمدن)	الْقَبِيح	زشت	يُؤَكِّدُ	تأکید می‌کند (ماضی: أَكَّدَ / أمر: أَكِّدْ / مصدر: تَأْكِيد)
		قِيلَ	گفته شد (فعل مجهول «قال»)		

کلمات مترادف درس اول

قَذَفَ = رَمَى (پرتاب کرد، انداخت)	حَرَقَ = أَشْعَلَ (سوزاند)	أَعَانَ = سَاعَدَ (کمک کرد)
مَرُصُوصٌ = سَدِيد (محکم)	حَنِيفٌ = مُوَحِّد (یکتاپرست)	الْبَيْعُثُ = الْقِيَامَةُ (رستاخیز)
	سُدَى = عَبَثَ (بیهوده، باطل، بوج)	تَجَنَّبَ = إِيْتَعَادَ (دوری کردن)
	صِرَاعٌ = التَّرَاعُ (مبارزه، کشمکش)	حَدَّثَ = كَلَّمَ (صحبت کرد)

کلمات متضاد درس اول

الْحَنِيفُ (یکتاپرست) ≠ مُشْرِكٌ (مُشْرِك)	تَجَنَّبَ (دوری کردن) ≠ تَقَرَّبَ (نزدیک شدن)
صِرَاعٌ (کشمکش) ≠ سِلْمٌ (آرامش)	حَرَقَ (سوزاند) ≠ أَطْفَأَ (خاموش کرد)

جمع‌های مکسر درس اول

قُرْبَانٌ ← قَرَابِين (قربانی)	سَوَالٌ ← أَسْئَلَةٌ (سؤال)	أَثَرٌ ← آثار (اثر)
كُتِفَ ← أَكْتَاف (شانه)	شَعْبٌ ← شعوب (ملت)	أَجْرٌ ← أجور (پاداش، مزد)
لَحْمٌ ← لُحُوم (گوشت)	صَنَمٌ ← أصنام (بت)	إِلَهٌ ← آلِهَةٌ (خدا، معبود)
مِثَالٌ ← أمثلة (مثال)	عَصَبٌ ← أعصاب (پی)	تِمَثَالٌ ← تَمَائِيل (تندیس، مجسمه)
مَثَلٌ ← أمثال (ضرب‌المثل - مثال)	عَصْرٌ ← عَصُور (دوره)	تَمَرِينٌ ← تَمَارِين (تمرین)
نَاقِدٌ ← نَقَاد (نقدکننده)	عَظَمٌ ← عِظَام (استخوان)	جَوَابٌ ← أَجَوِبَةٌ (پاسخ)
نَقَشٌ ← نُقُوش (کنده کاری، نگاره)	عِيدٌ ← أعياد (جشن)	دِينٌ ← أديان (دین)
وَجْهٌ ← وجوه (صورت)	فَأْسٌ ← فُؤُوس (تبر)	رَسْمٌ ← رُسُوم (تصویر، نقاشی)
	فَرَخٌ ← فِرَاح، أَفْرَاح (جوجه)	زَمِيلٌ ← زُمَلَاء (همکلاسی)
	قَرِيسَةٌ ← قَرَائِس (شکار)	سِنٌّ ← أسنان (دندان)

دانش‌آموزان گرامی! به منظور تعمیق مطالب و تمرین هر چه بیشتر محلّ اعرابی (نقش کلمات)، علاوه بر ترجمه کلمه به کلمه و روان متن هر درس نقش کلماتی که در محدوده آموزشی متوسطه دوم می‌باشد نیز برایتان آورده شده است تا منبع مناسبی جهت تسلّطان بر این موضوع باشد.

الَّذِينَ وَالتَّذِيْنُ

ترجمه دین و دین‌داری

﴿... أَقِمَّ﴾	وَجْهَـ	لَكَ	لِلَّذِينَ	حَنِيفًا ﴿﴾ یونس: ۱۰۵
به‌پا دار	صورت	خود	برای دین	یکتاپرست
فعل و فاعل	مفعول	مضاف‌إلیه	جائز و مجرور	حال (درس ۲)

ترجمه با یکتاپرستی به دین روی آور^۱.

التَّذِيْنُ	فُطِرِيَّ	فِي الْإِنْسَانِ.	و التَّارِيخُ	يَقُولُ	لَنَا:
دین‌داری	فطری	در انسان	و تاریخ	می‌گوید	به ما
مبتدا	خبر	جائز و مجرور	مبتدا	خبر (فعل و فاعل)	جائز و مجرور

ترجمه دین‌داری در انسان فطری است و تاریخ به ما می‌گوید:

۱- «أَقِمَّ وَجْهَكَ» در اصطلاح به معنای «روی آور» می‌باشد.

❖ **اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۱): عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.**

- (۱) كَانَ الْهَدَفُ مِنْ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينَ لِلْإِلَهَةِ كَسَبَ رِضَاهَا وَ تَجَنَّبَ شَرَّهَا.
- (۲) عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ (ع) الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَامِ.
- (۳) لَمْ يَكُنْ لِيَغْضُ الشُّعُوبَ دِينَ أَوْ طَرِيقَةً لِلْعِبَادَةِ.
- (۴) الْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالدِّينِ.
- (۵) إِنَّ التَّدِينَ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ.
- (۶) لَا يَتْرُكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ سُدىً.

❖ **پاسخ**

- (۱) ✓ هدف از پیشکش کردن قربانیان به خدایان، به دست آوردن خشنودی آنها و دوری از بدی‌شان است.
- (۲) ✗ ابراهیم (ع) تبر را روی دوش کوچک‌ترین بت‌ها آویخت.
- (۳) ✗ برخی ملت‌ها دین یا روشی برای عبادت نداشتند.
- (۴) ✓ آثار قدیمی بر توجه و علاقه انسان به دین تأکید می‌کند.
- (۵) ✓ بی‌گمان دینداری در انسان فطری و ذاتی است.
- (۶) ✓ خداوند انسان را بیهوده رها نمی‌کند.

❖ **اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۲): تَرْجِمُ هَاتَيْنِ الْآيَتَيْنِ الْكَرِيمَتَيْنِ.**

(۲) ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُيُوتٌ مَرْصُوصٌ﴾ الشُّف: ۴

(۱) ﴿فَهَذَا يَوْمٌ أَلْبَغْتِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ الروم: ۵۶

❖ **پاسخ**

- (۱) این، روز رستاخیز است ولی شما نمی‌دانستید.
- (۲) قطعاً خداوند دوست دارد کسانی را که در راهش صف در صف می‌جنگند، گویی آنها ساختمانی استوار هستند.

❖ **اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۳): تَرْجِمُ هَذِهِ الْأَحَادِيثَ حَسَبَ قَوَاعِدِ الدَّرْسِ:**

- (۲) لَا جِهَادَ كَجِهَادِ النَّفْسِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)
- (۴) لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَلَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)

- (۱) لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)
- (۳) لَا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)
- (۵) لَا سَوْءَ أَسْوَأُ مِنَ الْكِذْبِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ (ع)

❖ **پاسخ**

- (۱) هیچ خیری در گفتاری نیست مگر این‌که همراه کردار (عمل) باشد.
- (۳) هیچ جامه‌ای (لباسی) زیباتر از تندرستی نیست.
- (۵) هیچ بدی‌ای از دروغ بدتر نیست.

❖ **اخْتَبِرْ نَفْسَكَ (۴): إِمْلَأِ الْفَرَاغَ فِي مَا يَلِي، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ «لَا» فِيهِ:**

و کسانی را که به جای خدا فرا می‌خوانند زیرا که به خدا دشنام دهند

گفتارشان تو را؛ زیرا ارجمندی، همه خداست.

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که برابرند؟

[ای] پروردگار ما، آنچه را هیچ توانی نسبت به آن نداریم بر ما

خدا رحم نمی‌کند به کسی که به مردم

(۱) ﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ﴾ الْأَنْعَام: ۱۰۸

(۲) ﴿وَلَا يَحْزَنْكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً﴾ يُونُس: ۶۵

(۳) ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ الزُّمَر: ۹

(۴) ﴿... رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ﴾ الْبَقَرَةُ: ۲۸۶

(۵) لَا يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ لَا يَرْحَمُ النَّاسَ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)

پاسخ

- (۱) دشنام ندهید / لا تَسُبُّوا: لای نهی
(۳) نمی‌دانند / لا يَعْلَمُونَ: لای نفی
(۵) رحم نمی‌کند / لا يَرْحَمُ: لای نفی
(۲) نباید اندوهگین سازد - از آن / لا يَحْزُنُ: لای نهی
(۴) تحمیل نکن / لا تُحْمِلُ: لای نهی - لا طاقه: لای نفی جنس

کتاب درسی

التمرین

الْتَمَرِينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ مُعْجَمِ الدَّرْسِ تَنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- (۱) آله ذات يد من الخشب و سن عريضة من الحديد يقطع بها.
(۳) عضو من أعضاء الجسم يقع أعلى الجذع.
(۵) إنهم بدؤوا يتكلمون بكلام خفي.
(۲) تمثال من حجر أو خشب أو حديد يعبد من دون الله.
(۴) التارك للباطل و المتمايل إلى الدين الحق.

پاسخ

- (۱) ابزاری دارای دسته‌ای چوبی و دندانهای پهن از آهن که به کمک آن [اشیا] قطع می‌شود. أَلْفَاسُ: تبر
(۲) مجسمه‌ای از سنگ یا چوب یا آهن که به جای خدا عبادت می‌شود. أَلَصْنَمُ: بت
(۳) اندامی از اندام‌های بدن که در بالای تنه واقع است. أَلْكَيْفُ: شانه
(۴) ترک‌کننده باطل و روی‌آورنده به دین حق. أَلْحَنِيفُ: یکتاپرست
(۵) قطعاً آن‌ها با سخنی پنهان شروع به صحبت کردند. بَدَّؤُوا يَتَهَامَسُونَ: شروع به پیچ کردند.

الْتَمَرِينُ الثَّانِي: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ ثُمَّ عَيِّنِ الْحَرْفَ الْمُسَبَّهَ بِالْفِعْلِ، وَ لَا التَّافِيَةَ لِلْجِنْسِ.

- (۱) ﴿قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾ یس: ۲۶ و ۲۷
(۲) ﴿... لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ...﴾ التوبة: ۴۰
(۴) لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)
(۵) إِنَّ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ يَخْرُجَ الرَّجُلُ مَعَ صَيفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ. رَسُولُ اللَّهِ (ص)
﴿... لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ...﴾ الضافات: ۳۵

پاسخ

- (۱) گفته شد: «وارد بهشت شو!» گفت: «ای کاش، قوم من بدانند که پروردگارم مرا آمرزیده و از گرامیان قرار داد. / الحرف المُسَبَّهُ بِالْفِعْلِ: لَيْتَ
(۲) اندوهگین نباش زیرا (که) خدا با ماست. / الحرف المُسَبَّهُ بِالْفِعْلِ: إِنَّ
(۳) هیچ خدایی جز خداوند نیست. / لا التَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ: «لا» در «لا إِلَهَ»
(۴) کسی که هیچ [وفای به] عهد و پیمانی ندارد، هیچ دینی ندارد. / لا التَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ: «لا» در «لا دین» و «لا عَهْدَ»
(۵) از سنت است که مرد (منظور میزبان) همراه مهمانش تا درب خانه بیرون رود. / الحرف المُسَبَّهُ بِالْفِعْلِ: إِنَّ

الْتَمَرِينُ الثَّالِثُ: أ) اقْرَأِ الشَّعْرَ الْمَنْسُوبَ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ، ثُمَّ عَيِّنِ تَرْجَمَةَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خُطٌّ:

- أَيْهَا الْفَاحِشُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ إِنَّمَا النَّاسُ لِأُمِّ وَ لِأَبِ
ای که نابخردانه افتخارکننده به دودمان هستی، مردم، تنها از یک مادر و یک پدراند.
هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فِضَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ
آیا آنان را می‌بینی (می‌پنداری) که از نقره، آهن، مس یا طلا آفریده شده‌اند؟
بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ سَوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ
بلکه آنان را می‌بینی از تکه گلی آفریده شده‌اند. آیا به جز گوشت و استخوان و پی‌اند؟
إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعَاقِلٍ ثَابِتٍ وَ حَيَاءٍ وَ عَفَافٍ وَ أَدَبٍ
افتخار، تنها به خردی استوار، شرم، پاکدامنی و ادب است.

ب) اِسْتَخْرِجْ مِنَ الْآيَاتِ اسْمَ الْفَاعِلِ، وَ الْفِعْلَ الْمَجْهُولَ، وَ الْجَارَّ وَ الْمَجْرُورَ، وَ الصِّفَةَ وَ الْمَوْصُوفَ.

الْتَّمِرِينَ السَّابِعَ: أَكْمِلْ تَرْجَمَةَ هَذَا النَّصِّ؛ ثُمَّ اكْتُبِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

حِينَ يَرَى «الطَّائِرُ الذَّكِيَّ» حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا قُرْبَ عُشِّهِ، يَتَظَاهَرُ أَمَامَهُ بِأَنَّ جَنَاحَهُ مَكْسُورٌ، فَيَتَّبِعُ الْحَيَوَانُ الْمُفْتَرِسُ هَذِهِ الْفَرِيسَةَ، وَ يَتَّعِدُ عَنِ الْعُشِّ كَثِيرًا. وَ عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ وَ ابْتِعَادِهِ وَ إِنْقَاضِ حَيَاةِ فِرَاحِهِ، يَطِيرُ بَغْتَةً.

پرنده باهوش هنگامی که جانور (الف) را نزدیک لانه‌اش می‌بیند، روبه‌رویش وانمود می‌کند که (ب) شکسته است، در نتیجه جانور درنده این شکار را تعقیب می‌کند و از لانه بسیار (ج) و وقتی که این پرنده از فریب دشمن و دور شدنش و نجات زندگی (د) مطمئن می‌شود، (ه) پرواز می‌کند.

پاسخ

الف) درنده‌ای ب) بالش ج) دور می‌شود
د) جوجه‌هایش ه) ناگهان
الطائر: فاعل - حيواناً: مفعول - مُفْتَرِسًا: صفت - عُشٌّ: مضاف‌الیه - الحيوان: فاعل - المُفْتَرِسُ: صفت - عَنِ الْعُشِّ: جار و مجرور - خِدَاعٌ: مجرور به حرف جرّ - حَيَاةً: مضاف‌الیه

درس اول

تمرین‌های پایان درس

واژگان

تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ:

- | | | |
|--|--|-------------------|
| ۴۸۸ عَلَّقَ الْفَأْسُ عَلَى كَيْفِ الصَّنَمِ. | ۴۸۹ أَنْقَذَ إِبْرَاهِيمُ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. (دی ۹۷) | (خرداد ۹۸) |
| ۴۹۰ أَنْقَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ مِنَ النَّارِ. | ۴۹۱ كَسَّرَ إِبْرَاهِيمُ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ. (دی ۹۸) | (شهریور ۹۹) |
| ۴۹۲ شَعَائِرُهُ كَانَتْ خُرَافَةً. | ۴۹۳ قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ. (شهریور ۹۸، خرداد ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰، شهریور ۱۴۰۰) | (شهریور ۱۴۰۰) |
| ۴۹۴ قَدْ يُحَدِّثُنَا الْقُرْآنُ عَنْ صِرَاعَاتِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمْ. | ۴۹۵ إِنَّ الْغَضَبَ مَفْسَدَةٌ. | (خرداد ۹۹، دی ۹۹) |
| ۴۹۶ صِرَاعَكَ مَعَ هَذَا الرَّجُلِ سُدِّي. | ۴۹۷ وَجَدْنَا جَنَاحَ الْحَمَامَةِ مَكْسُورًا. | |
| ۴۹۸ مَا كَتَبَ الْكُسُولُ تَمَارِينَ الدَّرْسِ. | ۴۹۹ أَحْضَرَ الْقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ (ع). | (خرداد ۱۴۰۳) |

إِنْتِخِبِ الْجَوَابَ حَسَبَ تَرْجَمَةِ الْمُفْرَدَاتِ الْمُعَيَّنَةِ:

- | | | |
|---|--|---|
| ۵۰۰ ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ | ☐ الف) نیکوکاری | ☐ ب) نیکوکاران |
| ۵۰۱ قَامَ الطَّائِرُ الذَّكِيُّ بِخِدَاعِ الْعَدُوِّ. | ☐ الف) فریبکار | ☐ ب) فریب |
| ۵۰۲ الطَّائِرُ قَدْ تَأَكَّدَ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ. | ☐ الف) تأکید کرده است | ☐ ب) مطمئن شده است |
| ۵۰۳ لَا فَقْرَ أَشَدَّ مِنَ الْجَهْلِ. | ☐ الف) بدتر | ☐ ب) به‌سختی |
| ۵۰۴ تَمَنَّى الطَّالِبُ: لِيَتَنِي أَنْجَحَ فِي الْإِمْتِحَانِ. | ☐ الف) آرزو دارد | ☐ ب) آرزو داشت |
| ۵۰۵ سُئِلَ الْعَالِمُ: مَا هُوَ مِفْتَاحُ النَّجَاحِ؟ | ☐ الف) پرسید | ☐ ب) پرسیده شد |
| ۵۰۶ قَائِدُنَا مِنْ نَقَادِ صِنَاعَةِ السِّيَّارَاتِ الْمَحَلِّيَّةِ. | ☐ الف) بسیار نقدکننده | ☐ ب) نقدکنندگان |
| ۵۰۷ هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فَضَّةٍ؟ | ☐ الف) نقره | ☐ ب) طلا |
| ۵۰۸ قِيلَ لِلطَّالِبِ الْقَلِيلِ الْأَدَبِ: أَخْرِجْ مِنَ الصَّفِّ. | ☐ الف) گفته شد | ☐ ب) گفت |

أَكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْمُفْرَدَاتِ التَّالِيَةِ:

٥٠٩ العُصُور (المُفْرَد):	٥١٠ الكَتِف (الْجَمْعُ الْمُكْسَر):
٥١١ الأصنام (المُفْرَد):	٥١٢ القَوْم (الْجَمْعُ الْمُكْسَر):
٥١٣ النَّقُوش (المُفْرَد):	٥١٤ التَّمَال (الْجَمْعُ الْمُكْسَر):
٥١٥ الرُّسُوم (المُفْرَد):	٥١٦ السُّؤَال (الْجَمْعُ الْمُكْسَر):

أَكْتُبْ مُفْرَدًا أَوْ جَمْعَ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خُطٌّ:

- ٥١٧ عِبَادَةُ هَذِهِ الْآلِهَةِ خَطٌّ عَظِيمٌ:
- ٥١٩ اِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ:
- ٥٢١ شَعْبَتَا الْمُقَاوِمَ لَا يَسْمَحُ لِلْعُدُوِّ بِالنَّفُوذِ فِي الْبِلَادِ:
- ٥٢٣ نَاقِدُ كَلَامِكَ مِنْ أَسَاتِذَةِ الْجَامِعَةِ:
- ٥٢٥ هَذَا الْمِثَالُ صَعَبٌ جَدًّا:
- ٥١٨ نَزُورُ أَقْرَبَاءَنَا فِي الْأَعْيَادِ:
- ٥٢٠ هُوَ مِنْ أَعْضَاءِ فَرِيقِنَا الْعِلْمِيِّ:
- ٥٢٢ أَنْقَذَ حَيَاةَ فِرَاحِكِ:
- ٥٢٤ يَكْتُبُهَا الطَّلَابُ فِي دِفْتَرِ الذِّكْرِيَّاتِ:
- ٥٢٦ وَزَّعُوا الْقَرَايِينَ بَيْنَ الْمَسَاكِينِ:

اِنتَخِبِ الصَّحِيحَ فِي الْمُفْرَدِ أَوْ الْجَمْعِ:

- ٥٢٧ جَمْعُ «عَصَبٍ»: ☐ الف ☐ صِعب ☐ ب ☐ أعصاب
- ٥٢٨ مُفْرَدُ «أَنْبِيَاءٍ»: ☐ الف ☐ نَبَأ ☐ ب ☐ نَبِيٍّ
- ٥٢٩ جَمْعُ «أَثَرٍ»: ☐ الف ☐ آثَر ☐ ب ☐ تَأَثَّر
- ٥٣٠ مُفْرَدُ «فُؤُوسٍ»: ☐ الف ☐ فَرَس ☐ ب ☐ فَأَس
- ٥٣١ جَمْعُ «جَذَعٍ»: ☐ الف ☐ جُذوع ☐ ب ☐ جُزُر
- ٥٣٢ مُفْرَدُ «مَعَابِدٍ»: ☐ الف ☐ مَعْبَد ☐ ب ☐ عِبَادَة
- ٥٣٣ جَمْعُ «أَكْبَرٍ»: ☐ الف ☐ كِبَار ☐ ب ☐ أَكَابِر
- ٥٣٤ مُفْرَدُ «صُفُوفٍ»: ☐ الف ☐ صَافِيَة ☐ ب ☐ صَفَّتْ
- ٥٣٥ جَمْعُ «فَرِيَسَةٍ»: ☐ الف ☐ فَرَائِس ☐ ب ☐ أَفْرَاس
- ٥٣٦ جَمْعُ «عَظْمٍ»: ☐ الف ☐ أَعَظِم (خرداد ٩٩) ☐ ب ☐ عِظَام

كَمْ جَمْعَ تَكْسِيرٍ فِي الْعِبَارَةِ التَّالِيَةِ؟

اِنتَخِبِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ		المطلوب
ب	الف	
☐ اثنان	☐ واحد	٥٣٧ يَتَأَكَّدُ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ وَابْتِعَادِهِ وَانْقِاذِ حَيَاةِ فِرَاحِهِ.
☐ واحد	☐ اثنان	٥٣٨ الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي اكْتَسَفَهَا الْإِنْسَانُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَهُ بِالذِّينِ.
☐ ثلاثة	☐ أربعة	٥٣٩ أَيُّهَا الْجُهَالُ لَا تَقْدِّمُوا الْقَرَايِينَ لِكَسْبِ رِضَا الْأَصْنَامِ.
☐ اثنان	☐ ثلاثة	٥٤٠ لِمَاذَا كَثُرَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْيَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ؟
☐ واحد	☐ اثنان	٥٤١ قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ عَنْ سِيَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَصِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ.
☐ ثلاثة	☐ اثنان	٥٤٢ يَا رِجَالُ لَا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ.
☐ اثنان	☐ واحد	٥٤٣ رَجَاءً، أَكْتُبُوا حَلَّ الْأَسْئَلَةِ مَعَ زُمَلَائِكُمْ.
☐ واحد	☐ اثنان	٥٤٤ لِمَاذَا لَا تَكْتُبُونَ أَفْكَارَكُمْ عَلَى الْأَوْرَاقِ؟

انتخب المترادف أو المتضاد من بين المفردات التالية:

(التَّقَرُّبُ - البَيْتُ - أَشَاهِدُ - الشَّرُّ - فَضِيلَةٌ - الْفُنْدُقُ - أَحْسَنُ - أَضَاءَ - الْمُوَحَّدُ - النَّزَاعُ)

٥٤٥ الصَّرَاحُ =	٥٤٦ أَنَارَ =	(خرداد ٩٨ و خرداد ٩٩)
٥٤٧ الْحَنِيفُ =	٥٤٨ أَسَوَّأُ ≠	
٥٤٩ الدَّارُ =	٥٥٠ التَّجَبُّبُ ≠	
٥٥١ أَرَى =	٥٥٢ الْخَيْرُ ≠	(دي ٩٧)
		(شهریور ١٤٠١)

اجعل علامة الترادف أو التضاد بين المفردات التالية (= ≠):

٥٥٣ الصَّرَاحُ السَّلْمُ	٥٥٤ الإِسْتِهْزَاءُ السُّخْرِيَّةُ	(دي ٩٧، دي ٩٨، شهریور ٩٩)
٥٥٥ الكَافِرُ الْحَنِيفُ	٥٥٦ الْمُفْتَرِسُ الْأَهْلِيُّ	
٥٥٧ الْحَيَاةُ الْمَوْتُ	٥٥٨ إِطْمَأَنَّ تَأَكَّدَ	
٥٥٩ الْخِدَاعُ الْحِيلَةُ	٥٦٠ التَّارِكُ الْمُتَمَائِلُ	
٥٦١ الطَّرِيقَةُ السَّيْرَةُ	٥٦٢ النَّزَاعُ السَّلْمُ	(دي ١٤٠٢)

انتخب الصحيح في المترادف أو المتضاد:

المطلوب		انتخب الجواب الصحيح
		الف
		ب
٥٦٣ المترادف لمُفْرَدَةِ «الصَّرَاحِ»:	☐ السَّلْمُ	☐ النَّزَاعُ
٥٦٤ المترادف لمُفْرَدَةِ «الْبُعْثِ»:	☐ الْقِيَامَةُ	☐ الْفَائِئِمَةُ
٥٦٥ المترادف لمُفْرَدَةِ «يَحْسَبُ»:	☐ يَظُنُّ	☐ يَضُمُّ
٥٦٦ المترادف لمُفْرَدَةِ «الْمَرْصُوعِ»:	☐ الْمُسْتَحْكَمُ	☐ الْحُكُومَةُ
٥٦٧ المتضاد لمُفْرَدَةِ «الْحَنِيفِ»:	☐ الْمُوَحَّدُ	☐ الْمُشْرِكُ

عين المتضاد لكلمة «أجاب» و «ازداد» و «أسفل» و المترادف لكلمة «الفرح»:

سألَ مُحَمَّدٌ مُعَلِّمَ عِلْمِ الْأَحْيَاءِ تَعَنُّتًا. / أَطْعَمَ الرَّجُلُ الْمُحْسِنُ طِفْلاً يَتِيماً.
 إنشراحُ الصَّدرِ من أنعمَ اللهُ المُنْهَمِرَةَ. / لماذا نَقَصَ عَدَدُ بَوْمَاتِ المَزْرَعَةِ؟ / كَانَ الْإِمَامُ عَلِيٌّ (ع) زَاهِداً.
 الْكَثِيفُ من أعضاء الجِسْمِ يَقَعُ أَعْلَى الْجَذَعِ. / كَثُرَ إِيْمَانِي بِاللَّهِ بَعْدَ مُجَالَسَةِ الْأَفَاضِلِ.

٥٦٨ المتضاد لكلمة «أجاب»:	٥٦٩ المتضاد لكلمة «إزداد»:
٥٧٠ المتضاد لكلمة «أسفل»:	٥٧١ المترادف لكلمة «فرح»:

(خرداد ١٤٠٢)

عين الكلمة الغريبة حسب الترجمة:

٥٧٢ النُّقُوشُ ☐	الرُّسُومُ ☐	الْأَقْوَامُ (شهریور ١٤٠٠) ☐	الْكِتَابَاتُ ☐
٥٧٣ الْفِئْصَةُ ☐	الدَّهَبُ ☐	النُّحَاسُ (دي ١٤٠٠) ☐	الطَّيْنَةُ ☐
٥٧٤ الْأَعَاظِمُ ☐	الدُّمُوعُ ☐	الْعِظَامُ (خرداد ١٤٠٢) ☐	الْأَعْيُنُ ☐
٥٧٥ اللَّحُومُ ☐	الْعِظَامُ ☐	الضِّيُوفُ (خرداد ١٤٠٣ با کمی تغییر) ☐	

الْأُسْرَة	الْأَب	الرَّسْم	۵۷۶ □ الْأُم
الدَّم	الدَّثْب	العَظْم	۵۷۷ □ اللَّحْم
النَّقْش	الشَّعْب	النَّاس	۵۷۸ □ الْقَوْم
نَصَرَ	كَسَرَ	أَعَانَ	۵۷۹ □ سَاعَدَ
التَّأَكُّد	الإِطْمِئْنَان	السَّكِينَة	۵۸۰ □ الْأَصْنَام
الفرح	السُّرور	الحَرْب	۵۸۱ □ السَّلَام
العَفَاف	التَّكَبُّر	الحَيَاء	۵۸۲ □ الْأَدَب
الكَافِر	المُؤْمِن	العبادة	۵۸۳ □ التَّدِين

ترجمه

ترجم العبارات إلى الفارسية:

- ۵۸۴ □ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ﴿.....﴾
- ۵۸۵ □ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا ﴿.....﴾
- ۵۸۶ □ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا ﴿.....﴾ (خرداد ۹۸)
- ۵۸۷ □ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ﴿.....﴾ (خرداد ۱۴۰۰)
- ۵۸۸ □ كَانَهُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ ﴿.....﴾
- ۵۸۹ □ قَالُوا خَرَّقُوهُ وَ انصُرُوا آلِهَتَكُمْ ﴿.....﴾ (دی ۹۷، شهریور ۹۹، خرداد ۱۴۰۰)
- ۵۹۰ □ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿.....﴾
- ۵۹۱ □ رَبَّنَا وَ لَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ ﴿.....﴾ (شهریور ۱۴۰۲)
- ۵۹۲ □ وَ يَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا ﴿.....﴾ (شهریور ۹۸)
- ۵۹۳ □ أَوْ يَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى ﴿.....﴾ (خرداد ۹۹، شهریور ۹۹، شهریور ۱۴۰۰)
- ۵۹۴ □ أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ ﴿.....﴾ (خرداد ۱۴۰۰، دی ۱۴۰۰)
- ۵۹۵ □ إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿.....﴾ (دی ۱۴۰۲)
- ۵۹۶ □ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿.....﴾
- ۵۹۷ □ كَانَ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لَا تُدْرَكُ بِسُهُولَةٍ. ﴿.....﴾ (خرداد ۱۴۰۳)
- ۵۹۸ □ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَ لَكِنِّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴿.....﴾ (دی ۹۹)
- ۵۹۹ □ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿.....﴾
- ۶۰۰ □ وَ لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ ﴿.....﴾
- ۶۰۱ □ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ﴿.....﴾

۶۰۲ □ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُيَانٌ مَرصُوصٌ ﴿.....﴾

۶۰۳ □ قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ ﴿.....﴾

۶۰۴ □ لَا فَقْرَ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ. ﴿.....﴾ (دی ۱۴۰۲)

۶۰۵ □ لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ. ﴿.....﴾ (شهریور ۹۸)

۶۰۶ □ لَا لِبَاسٍ أَجْمَلُ مِنَ الْعَافِيَةِ. ﴿.....﴾ (دی ۹۸)

- ٦٠٧ أَجَابَ الْمُدِيرُ: لَا طَالِبَ هُنَا. (دى ٩٩)
- ٦٠٨ لَا خَيْرَ فِي قَوْلٍ إِلَّا مَعَ الْفِعْلِ. (شهریور ٩٩)
- ٦٠٩ نَحْنُ خُلِقْنَا مِنْ طِينَةٍ فَلَا نَفْتَخِرُ بِنَسَبِنَا. (خرداد ١٤٠٢)
- ٦١٠ ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِهِ وَ تَرَكَ الْمَعْبَدَ. (خرداد ٩٨)
- ٦١١ الطَّائِرُ قَدْ تَأَكَّدَ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ. (دى ١٤٠٢)
- ٦١٢ الْآثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالْدِّينِ. (خرداد ٩٨، شهریور ١٤٠٠)
- ٦١٣ إِنْ تَسَبَّوْا النَّاسَ تَكْتَسِبُوا الْعَدَاوَةَ بَيْنَهُمْ. (شهریور ١٤٠٢)
- ٦١٤ قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ. (دى ١٤٠٠)
- ٦١٥ لَا حَضَارَةَ إِلَّا وَ فِيهَا شَعَائِرُ دِينِيَّةٌ. (خرداد ١٤٠٣)
- ٦١٦ يَرَى الطَّائِرُ الذَّكْيَ حَيَوَانًا مُفْتَرِسًا قُرْبَ عُشِّهِ. (خرداد ٩٩)
- ٦١٧ هَذِهِ التَّمَائِلُ انْكَسَرَتْ بِفَأْسٍ لَا نَعْرِفُ صَاحِبَهُ.
- ٦١٨ حَاوَلْ إِبْرَاهِيمُ (ع) أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ. (شهریور ٩٨، خرداد ١٤٠١)
- ٦١٩ الْأَصْنَامُ تَمَائِلُ مِنَ الْخَشَبِ أَوْ الْحَدِيدِ تُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ. (خرداد ١٤٠٣)
- ٦٢٠ كَسَرَ إِبْرَاهِيمُ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِلَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ. (دى ٩٨)
- ٦٢١ عِنْدَمَا يَرْجِعُ النَّاسُ يُشَاهِدُونَ أَصْنَامَهُمْ الْمُكَسَّرَةَ. (دى ١٤٠٢)
- ٦٢٢ إِزْدَادَتْ هَذِهِ الْخُرَافَاتُ فِي أَدْبَانِ النَّاسِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ. (دى ١٤٠٠)
- ٦٢٣ كُلُّ طَعَامٍ لَا يُذَكَّرُ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ لَا بَرَكَهَ فِيهِ. (خرداد ٩٩، شهریور ١٤٠١)
- ٦٢٤ خُذُوا الْحَقَّ مِنْ أَهْلِ الْبَاطِلِ وَلَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ.
- ٦٢٥ بَدَأَ الْقَوْمُ بِنَهَامَسُونَ: إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا.
- ٦٢٦ فِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ، بَقِيَ إِبْرَاهِيمُ وَحِيدًا.
- ٦٢٧ لَا شَعَبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا وَ كَانَ لَهُ دِينٌ وَ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ.
- ٦٢٨ لَمَّا شَاهَدَ النَّاسُ أَصْنَامَهُمْ الْمُكَسَّرَةَ، أَحْضَرُوا إِبْرَاهِيمَ (ع) لِلْمُحَاكَمَةِ.
- ٦٢٩ قَدْ نَحَدَّثُ مُدِيرَ الْمَدْرَسَةِ حَوْلَ مَشَاكِلِنَا الدَّرَاسِيَّةِ.
- ٦٣٠ أَكَّدَ قَائِدُ الْبِلَادِ الْعَالِمِ عَلَى الصَّرَاحِ مَعَ أَعْدَائِنَا الْكَافِرِينَ.
- ٦٣١ هُنَاكَ نَقُوشٌ وَ رُسُومٌ وَ تَمَائِلُ تَدُلُّ عَلَى أَنَّ التَّدْيُنَ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ.
- ٦٣٢ إِنَّ تَدْيُنَ هَؤُلَاءِ الشَّبَابِ الْمُؤْمِنِينَ يَمْنَعُهُمْ عَنْ ارْتِكَابِ الْمَعَاصِي.
- ٦٣٣ تَكُونُ بَعْضُ الشَّعَائِرِ خُرَافِيَّةً فَعَلَيْنَا بِالْإِبْتِعَادِ عَنْهَا وَ نَهْيِ الْآخَرِينَ عَنْهَا.
- ٦٣٤ أُرْسِلَ الْأَنْبِيَاءُ لِتَبْيِينِ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ الدِّينِ الْحَقِّ.
- ٦٣٥ شَاهَدْتُ رِجَالًا جَاهِلِينَ. كَانَ الرِّجَالُ يُقَدِّمُونَ الْقَرَابِينَ لِكَسْبِ رِضَا الْأَصْنَامِ وَ تَجَنُّبِ شَرِّهَا.
- ٦٣٦ كَانَ تَقْدِيمُ الْقَرَابِينَ لِلْأَلْهَةِ الْمُتَعَدِّدَةِ مِنْ عَقَائِدِ هَؤُلَاءِ الْأَقْوَامِ الْخُرَافِيَّةِ.

قواعد

انتخب الحروف المُشْتَبِهَة بالفعل ثُمَّ تَرَجِّمْهَا:

- ۶۷۹ ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُيَانٌ مَرصُوصٌ﴾
 ۶۸۰ ﴿وَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعاً﴾
 ۶۸۱ ﴿فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾
 ۶۸۲ إِنَّهُ سَوْفَ يَكْتُبُ أَفْكَارَهُ عَلَى الْوَرَقَةِ.
 ۶۸۳ ﴿قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾
 ۶۸۴ لَعَلَّ زَمِيلِي الْمُتَمَارِزَ يَنْجَحُ فِي الْمُسَابَقَةِ الْعِلْمِيَّةِ.
 ۶۸۵ كَانَ الْمُؤْمِنُ الْمَخْلَصُ جَبَلٌ رَاسِخٌ لَا تُحَرِّكُهُ الْعَوَاصِفُ.
 ۶۸۶ أَلَا تَعْلَمُ أَنَّ ثَمَانِينَ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشَرَاتٌ؟
 ۶۸۷ أَرْجُو مِنْكَ إِغْلَاقَ هَذَا الْمُضْيِقِ بِسَدٍّ. لَعَلَّنَا نَتَخَلَّصَ مِنْ رِجَالٍ مُفْسِدِينَ.
 ۶۸۸ إِنَّ مَدِيرَةَ الْمَدْرَسَةِ أَعْطَتْكَ جَوَائِزَ نَفِيسَةً.

إِنتَخِبْ لِلْفَرَاقَاتِ الحروف المُشْتَبِهَة بالفعل (حَسَبِ الْمَعْنَى):

- ۶۸۹ لِمَاذَا لَا يَنْجَحُ مُحَمَّدٌ فِي الْإِمْتِحَانَاتِ؟ طَالِبٌ كَسُولٌ. (أَنَّهُ - لِأَنَّهُ - لَيْتَ)
 ۶۹۰ الْعُلَمَاءُ الْمُجْتَهِدِينَ وَ الْأَفَاضِلَ مَصَابِيحَ مُضِيَّةً. (لَعَلَّ - أَنْ - كَأَنَّ)
 ۶۹۱ الْأَرَادِلَ يَنْتَبِهُونَ وَ يَهْتَدُونَ إِلَى خَيْرِ السَّبِيلِ. (إِنَّ - لَيْتَ - أَنْ)
 ۶۹۲ قَالَ نَبِيُّنَا: الْبَحْرَ وَ الْأَسْمَاكَ نِعْمَةً عَظِيمَةً مِنَ اللَّهِ. (أَنَّ - إِنَّ - لَكِنَّ)
 ۶۹۳ تَمَنَّى حَبِيبِي الْحَمِيمِ: أَيَّامَ الشَّبَابِ تَعُودُ. (كَأَنَّ - لِأَنَّ - لَيْتَ)
 ۶۹۴ مَا قَالَ الْحَضَارُ الْحَقِيقَةُ حَوْلَ ذَلِكَ الْمَوْضُوعِ لَكَ كُنْتَ صَادِقًا. (أَنَّ - لَكِنَّ - لَعَلَّ)
 ۶۹۵ رَأَى الطَّائِرَ الذَّكِيَّ الْحَيَوَانَ الْمُفْتَرَسَ يَقْتَرِبُ مِنْ عُشِّهِ. (أَنَّ - إِنَّ - لِأَنَّ)
 ۶۹۶ طُرِدَ إِدِيسُونَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ لَمْ يَفْقَدْ رَجَاءَهُ. (لَكِنَّهُ - أَنَّهُ - لِأَنَّهُ)
 ۶۹۷ يَا أَيُّهَا الشَّبَابُ الْمُؤْمِنُونَ اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ، بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ. (أَنَّ - إِنَّ - لَكِنَّ)
 ۶۹۸ لِمَ تَشَارِكُ أُخْتِي فِي الْجُلُوسَاتِ الْمَذْهَبِيَّةِ؟ تُرِيدُ تَقْوِيَةَ تَدْرِيبِهَا. (لَكِنَّهَا - لِأَنَّهَا - أَنَّهَا)
 ۶۹۹ لَمْ يَسْتَعْمِلِ الطَّبِيبُ الْعُشْبَ الطَّبِيَّ قَدَرَ عَلَى مُعَالَجَةِ مَرَضِي. (أَنَّهُ - لَكِنَّهُ - لَعَلَّهَا)

عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي سَبَبِ اسْتِخْدَامِ الحروف المُشْتَبِهَة بالفعل أَوْ تَأْثِيرِهَا عَلَى الْجُمْلَةِ:

- ۷۰۰ كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِّرُ أَسْمَاكَاً. ☐ (الف) لِلتَّصَوُّرِ ☐ (ب) لِلتَّرْجَاءِ
 ۷۰۱ ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ﴾ ☐ (الف) لِلإِطْمِئْنَانِ ☐ (ب) لِتَكْمِيلِ الْجُمْلَةِ
 ۷۰۲ لَيْتَ أَوْلَنِكَ الْجَاهِلُونَ يَسْتَمْعُونَ إِلَى كَلَامِ الْعَالِمِ. ☐ (الف) لِلتَّمَنِّيِ ☐ (ب) يُمَكِّنُ أَنْ يَتَحَقَّقَ
 ۷۰۳ إِنَّا خَادِمُو الْمَحْرُومِينَ وَ الضُّعَفَاءِ. ☐ (الف) لِلإِصْلَاحِ ☐ (ب) يُؤَكِّدُ كُلَّ الْجُمْلَةِ
 ۷۰۴ لَعَلَّ أَسْتَاذَ الْجَامِعَةِ يَدْفَعُ لَنَا مَوَاعِظَ. ☐ (الف) لَا رَجَاءَ لِحُدُوثِ الْفِعْلِ ☐ (ب) قَدْ يَتَحَقَّقُ الْفِعْلُ
 ۷۰۵ ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ﴾ ☐ (الف) لِتَأْكِيدِ الْفِعْلِ ☐ (ب) لِتَأْكِيدِ الْجُمْلَةِ
 ۷۰۶ كَأَنَّ قَلْبَ الْكَافِرِ حَجَارَةٌ. ☐ (الف) لِلْمُشَابَهَةِ ☐ (ب) لِلتَّخْمِينِ
 ۷۰۷ أَعْلِمُ أَنَّ الصَّبْرَ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ. ☐ (الف) لِلإِثْبَاطِ ☐ (ب) لِإِزَالَةِ الْإِبْهَامِ
 ۷۰۸ لَيْتَ بَائِعِ الْمَلَابِسِ يُخَفِّضُ الْأَسْعَارَ. ☐ (الف) لَا نَرَجُو وَقُوعَهُ ☐ (ب) الشَّكَّ وَ التَّرَدُّدَ
 ۷۰۹ يُحْكِي أَنَّ رَجُلًا كَانَ كَثِيرَ الْمَعَاصِي وَ الْغُيُوبِ. ☐ (الف) الْمُؤَكَّدِ ☐ (ب) التَّوَاصُلِ

عَيْنِ الصَّحِيحِ عَنِ الْغَرَضِ لِلْحَرْفِ الْمُشَبَّهِ بِالْفِعْلِ:

- ٧١٠ أشْعُرُ بِأَلَمٍ فِي رَأْسِي وَ لَكِنَّ الْوَالِدِي قَدْ تَحَسَّنَتْ حَالُهُ. ☐ الف) لِلتَّصَوُّرِ ☐ ب) لِتَكْمِيلِ مَعْنَى الْجُمْلَةِ
- ٧١١ إِنَّ أَهْلَ الْعِلْمِ أَحْيَاءٌ. ☐ الف) لِلْإِطْمِئْنَانِ ☐ ب) لِلتَّمَنِّي
- ٧١٢ كَأَنَّ الْجُهَّالَ أَمْوَاتٌ. ☐ الف) لِلتَّشْبِيهِ ☐ ب) لِتَأْكِيدِ لَفْظِ «الْجُهَّالِ»
- ٧١٣ كَأَنَّكَ صَانِعُ هَذِهِ الْكَرَاسِيِّ الْخَشِيبَةِ. ☐ الف) لِلرَّجَاءِ ☐ ب) لِلظَّنِّ
- ٧١٤ لَيْتَ الْأَحْمَقُ يَتَأَمَّلُ قَبْلَ الْكَلَامِ. ☐ الف) لِلتَّمَنِّي ☐ ب) لِلرَّجَاءِ
- ٧١٥ لَعَلَّ الْوَضْعَ الْأَمْنِيَّ يَسْتَقَرُّ فِي تِلْكَ الْبِلَادِ. ☐ الف) لِلرَّجَاءِ ☐ ب) لِلتَّمَنِّي
- ٧١٦ أَخَذَ حَامِدٌ كِتَابًا قِيمًا مِنِّي وَ لَكِنَّهُ لَمْ يَقْرَأْهَا. ☐ الف) لِإِتْمَامِ مَعْنَى الْجُمْلَةِ ☐ ب) لِلْمُشَابَهَةِ
- ٧١٧ لَيْتَ مَحْمُودًا يَمْتَنِعُ عَنْ مُجَالَسَةِ الْجُهَّالِ. ☐ الف) يَدُلُّ عَلَى الْأَمَلِ ☐ ب) يُكْمِلُ عِبَارَةَ قَبْلُهَا
- ٧١٨ لَعَلَّ الْمُجْرِمَ يَعْتَرِفُ بِجُرْمِهِ. ☐ الف) يُؤَكِّدُ فِعْلَ الْجُمْلَةِ ☐ ب) لِلتَّرَجِّي
- ٧١٩ إِنَّ الْعُلَمَاءَ يُخْرِجُونَنَا مِنْ ظُلُمَاتِ الْجَهْلِ. ☐ الف) لِلتَّخْمِينِ ☐ ب) لِلتَّأْكِيدِ

عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي تَرْجَمَةِ مَا تَحْتَهُ خَطٌّ:

- ٧٢٠ هُمْ ظَنُّوا أَنَّكَ تَكْذِبُ مِنْ جَدِيدٍ. ☐ الف) هَمَانَا ☐ ب) كِه
- ٧٢١ إِنَّ الصَّدَقَ مَعَ اللَّهِ يَتَجَلَّى بِإِخْلَاصِ الْأَعْمَالِ لَهُ. ☐ الف) قِطْعًا ☐ ب) كُوبًا
- ٧٢٢ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْتَفِعُوا بِتَجَارِبِ الْكِبَارِ. ☐ الف) كِه ☐ ب) بِيْ كِمَان
- ٧٢٣ إِنْ تُحَاوِلُوا تَكْتَشِفُوا مَا يَدُلُّ عَلَى اهْتِمَامِ الْإِنْسَانِ بِالْدِّينِ. ☐ الف) اِغْر ☐ ب) بَدُونِ شَكِّ
- ٧٢٤ هَذِهِ الْهَدَايَا تُعْطَى لِكُلِّ فِي نِهَايَةِ الْحَفْلَةِ. ☐ الف) بِهْ شِمَا ☐ ب) اِمَا
- ٧٢٥ لَعَلَّكَ لَا تَرْتَكِبُ كِبَائِرَ الذُّنُوبِ. ☐ الف) شَايِد ☐ ب) كَاشِ
- ٧٢٦ تَخَرَّجْتُ مِنَ الْجَامِعَةِ وَ لَكِنَّكَ مَا تَخَرَّجْتَ مِنْهَا. ☐ الف) بَرَايْتَان ☐ ب) وَلِي
- ٧٢٧ لَيْتَ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ تُكْتَبُ عَلَى هَذِهِ الْأَلْوَاحِ. ☐ الف) كَاشِ ☐ ب) اَمِيدِ اسْتِ
- ٧٢٨ لَعَلَّ حَبِيبِي لَا يَظْهَرُ أَسْرَارِي. ☐ الف) مَانِنْد ☐ ب) اَمِيدِ اسْتِ
- ٧٢٩ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ. ☐ الف) هَمَانَا ☐ ب) فِقْطِ

عَيْنِ الْمَطْلُوبِ مِنْكَ:

- ٧٣٠ العبارة التي فيها الحرف المُشَبَّه بِالْفِعْلِ: ☐ الف) «لَا تَحْرَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» ☐ ب) إِنْ تَعْمَلُوا بِأَوَامِرِ الرَّبِّ تَفُوزُوا.
- ٧٣١ العبارة التي ليس فيها الحرف المُشَبَّه بِالْفِعْلِ: ☐ الف) «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» ☐ ب) عَلَيْكُمْ أَنْ تَكْتُبُوا وَاجِبَاتِكُمْ.
- ٧٣٢ العبارة التي فيها حرفٌ مِنَ الْحُرُوفِ الْمُشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ: ☐ الف) «إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرْكُمْ وَ يُبَيِّتْ أَعْدَاءَكُمْ» ☐ ب) إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُتَكَبِّرِينَ.
- ٧٣٣ العبارة التي ليس فيها حرفٌ مِنَ الْحُرُوفِ الْمُشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ: ☐ الف) أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ. ☐ ب) أَجِبْ أَنْ أُسَافِرَ إِلَى إِصْفَهَانَ.
- ٧٣٤ العبارة التي فيها الحرف المُشَبَّه بِالْفِعْلِ أَكْثَرُ: ☐ الف) إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّ الْعُضْبَ مَفْسَدَةٌ. ☐ ب) لَعَلَّكَ تُجَالِسُ الْأَفَاضِلَ فَإِنْ تُجَالِسَهُمْ تُفْلِحَ.
- ٧٣٥ العبارة التي فيها الحرف المُشَبَّه بِالْفِعْلِ أَقَلُّ: ☐ الف) إِنَّكُمْ جُنُودٌ وَ لَكِنَّكُمْ تَخَافُونَ مِنَ الْعَدُوِّ. ☐ ب) ظَنَنْتُ أَنَّكُمْ تُحِبُّونَ التَّقَدُّمَ فِي الْحَيَاةِ.
- ٧٣٦ العبارة التي فيها ما جاء فيها حرفٌ مِنَ الْحُرُوفِ الْمُشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ: ☐ الف) أَجْلِبْ لَكِنَّ الْمَاءَ كَيْ تَنْخَلِّصَ مِنَ الْعَطَشِ. ☐ ب) أَنْعَمَ الرَّبُّ كَثِيرَةً وَ لَكِنَّكُمْ لَسْتُمْ شَاكِرِينَ.

ترجم الأفعال و الكلمات التالية:

«قَطَعَ: بُرِد»

۸۷۷) كانوا يَقْطَعُونَ (شهریور ۹۸)	۸۷۸) لَا تَقْطَعُ (شهریور ۹۸)
۸۷۹) سَوْفَ أَقْطَعُ	۸۸۰) مَا قَطَعْتُ
۸۸۱) قَدْ قَطَعُوا	۸۸۲) لَا تَقْطَعُ
۸۸۳) يَقْطَعُ	۸۸۴) اقْطِعي

«خَلَقَ: آفَرِد»

۸۸۵) خُلِقَ (خرداد ۱۴۰۱)	۸۸۶) يَخْلُقُونَ (خرداد ۱۴۰۱)
۸۸۷) سَيَخْلُقُ	۸۸۸) خَلَقْتَنِي
۸۸۹) المَخْلُوق	۸۹۰) الخَالِق
۸۹۱) لَمْ يَخْلُقْ	۸۹۲) لَنْ يَخْلُقَ

«غَفَرَ: آمَرَزِد»

۸۹۳) لَا يُغْفِرُ الْمُخْطِئُ. (دی ۱۴۰۰)	۸۹۴) قَدْ غَفَرَ اللَّهُ عَبْدَهُ. (دی ۱۴۰۰)
۸۹۵) وَجَدْنَا رَبَّنَا غَفَارَ الذُّنُوبِ. (دی ۹۹)	۸۹۶) مَاتَ الْعَبْدُ الْمَغْفُورُ. (دی ۹۹)
۸۹۷) يَا رَبِّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي.	۸۹۸) مَا غَفِرَ الرَّجُلُ الْمُتَكَبِّرُ.
۸۹۹) أَحِبُّ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ ذُنُوبِي.	۹۰۰) يَغْفِرُ اللَّهُ جَمِيعَ الذُّنُوبِ.

«أَجْلَسَ: نشانید»

۹۰۱) لِمَاذَا لَا تُجْلِسِينَ الْأَطْفَالَ؟ (دی ۹۸)	۹۰۲) هُمْ لَنْ يُجْلِسُوا التَّلَامِيذَ. (دی ۹۸)
۹۰۳) قَدْ أَجْلَسْتُ الْأَطْفَالَ.	۹۰۴) أَجْلَسَ الضُّيُوفَ عَلَى الْكَرَاسِيِّ سَهْلًا.
۹۰۵) يَا شَبَابُ أَجْلِسُوا التَّلَامِيذَ.	۹۰۶) مَا أَجْلَسَ حَامِدُ الضُّيُوفَ
۹۰۷) لَمْ يُجْلِسِ الْقَرَّةَ الْمُخْتَالَ الضُّيُوفَ.	۹۰۸) يُجْلِسُ الضُّيُفُ عَلَى الْكُرْسِيِّ.

«سَأَلَ: سَوَالَ کرد»

۹۰۹) أَنْتُمْ لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟ (خرداد ۱۴۰۲)	۹۱۰) سِئَلَ الْمُدِيرُ: أَمْ فِي الْمَدْرَسَةِ طَالِبٌ؟ (خرداد ۱۴۰۲)
۹۱۱) قَدْ سَأَلْتُ الْمُعَلِّمَ تَغْنَةً.	۹۱۲) لَمْ نَسْأَلْكَ عَنْ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ.
۹۱۳) يَا حَبِيبِي اسْأَلِ الْمُعَلِّمَ لِازْدِيَادِ عِلْمِكَ.	۹۱۴) مَا سَأَلْنَا عَنْ مَعْنَى هَذِهِ الْكَلِمَةِ.
۹۱۵) هُمْ كَانُوا يَسْأَلُونَ الْعَالِمَ لِيَجْمَعَ عِلْمُهُ إِلَى عِلْمِهِمْ.	۹۱۶) قَدْ أَسْأَلَ الْأُسْتَاذَ حَوْلَ عِلْمِ الْكِيمِيَاءِ.

«عَلَّمَ: دانست»

۹۱۷) عَلِّمْتَ الْأَسْرَارَ. (دی ۱۴۰۲)	۹۱۸) لَا تَعْلَمُونَ الدُّرُوسَ الْمَاضِيَةَ. (دی ۱۴۰۲)
۹۱۹) قَدْ عَلَّمْتُمْ طَرِيقَةَ مُوَاجَهَةِ الْمُشْكَلَاتِ.	۹۲۰) يَا صَدِيقِي أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ أَهْلَ الْعِلْمِ أَحْيَاءُ؟
۹۲۱) عَلِّمُوا أَنَّ الْكَذِبَ مِنَ الْمَعَاصِي.	۹۲۲) هُنَّ مَا عَلِمْنَ أَنَّ جَمَالَ الْبَاطِنِ أَفْضَلُ مِنْ جَمَالِ الظَّاهِرِ.
۹۲۳) قَدْ نَعَلِمُ مُطَالِبَ لَا تَنْفَعُنَا.	۹۲۴) سَوْفَ أَعْلِمُ سِرَّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ.

مهارت فهم و درک مطلب

عین الكلمة الصحيحة للعبارات: (كلمتان زائدتان)

(سوى - خذوا - ألا - أعطوا - المَرصوص - سُدى - الصَّنم - لیت - الحَنِيفُ)

٩٢٥ تَارِكٌ لِلْبَاطِلِ وَ الْمُتَمَائِلُ إِلَى الدِّينِ الْحَقِّ. ٩٢٦ تِمَالٌ مِنْ حَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ.

(دى ٩٨، ١٤٥٥)

(دى ٩٧، شهریور ١٤٥٥)

٩٢٧ تَمَنَّى الْمُزَارِعُ: الْمَطَرُ يَنْزِلُ كَثِيرًا. ٩٢٨ لا يَتَرَكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ (دى ٩٩)

(خرداد ١٤٥٥)

٩٢٩ الْبُنْيَانُ مُقَاوِمٌ أَمَامَ الْإِعْصَارِ. ٩٣٠ أَجُورَكُم مِّنْ صَاحِبِ الْعَمَلِ.

٩٣١ حَضَرَ زُمَلَائِي فِي صَالَةِ الْإِمْتِحَانَاتِ مُحَمَّدٍ.

ضَعْ فِي الْمَرْبِعِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ: «كلمة واحدة زائدة»

٩٣٢ ☐ مِنْ أَسَامِي يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (١) الْمَزَارِعُ٩٣٣ ☐ آلَةُ ذَاتُ يَدٍ مِنَ الْخَشَبِ وَ سِنٌّ عَرِيضَةٌ مِنَ الْحَدِيدِ يَقْطَعُ بِهَا. (٢) الْفَرْسُ٩٣٤ ☐ عُضْوٌ مِنْ أَعْضَاءِ الْجَسْمِ يَقَعُ فَوْقَ الْجَذَعِ. (٣) النَّقَادُ٩٣٥ ☐ مَنْ يَعْمَلُ فِي الْمَرْعَةِ. (٤) الْمَعْبَدُ٩٣٦ ☐ الَّذِينَ يَشْرَحُونَ مَعَايِبَ شَيْءٍ وَ مَزَايَاهُ. (٥) الْكَتِفُ٩٣٧ ☐ مَكَانٌ مُنَاسِبٌ لِلْعِبَادَةِ وَ الْمُنَاجَاةِ. (٦) الْفَأْسُ٩٣٨ ☐ الَّذِي يَتَرَكُ الْبَاطِلَ وَ يَرْغَبُ فِي دِينِ الْحَقِّ. (٧) أَلْبَتُّ

(خرداد ١٤٥٢)

(٨) الْحَنِيفُ

أَيُّ كَلِمَةٍ مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ تُنَاسِبُ لِلتَّوْضِيحِ؟

٩٣٩ يَكُونُ بِلَا فَائِدَةٍ. (الْحَظُّ / الذَّاءُ / الصَّحَّةُ / السُّدَى) ٩٤٠ تِمَالٌ يَعْبُدُهَا الْجُهَالُ مِنْ دُونِ اللَّهِ. (الصَّنم / البَسْمَةُ / الْمُجِيبُ / الشُّرُورُ) (دى ١٤٥٢)

٩٤١ مَا يَمْنَعُنَا عَنْ ارْتِكَابِ الْمَعَاصِي. (الْفَخْرُ / الْعَفَافُ / النُّحَاسُ / الذَّهَبُ) ٩٤٢ مَا يَكُونُ الْفَخْرُ بِهِ مَمْدُوحًا. (النَّسَبُ / الْفِضَّةُ / الْحَيَاءُ / السَّنِينَ) (دى ٩٤٢)

٩٤٣ مَنْ يَحْمِينَا مِنْ شُرُورِ الْحَادِثَاتِ. (الشَّيْطَانُ / الْأَصْنَامُ / التَّمَائِيلُ / الرَّبُّ) ٩٤٤ التُّرَابُ الَّذِي اخْتَلَطَ بِالْمَاءِ. (الطَّائِرُ / الْمَطَارُ / الطَّيْنَةُ / الطَّيَارُ) (دى ٩٤٤)

٩٤٥ مَنْ يَكُونُ مُحْتَرَمًا عِنْدَنَا. (الْأَرَاذِلُ / الْمُكْرَمُ / الْجُهَالُ / الْإِكْرَامُ) ٩٤٦ شَخْصٌ لَا يَقُومُ بِإِدَاءِ وَاجِبَاتِهِ. (الْحَنِيفُ / الْمُصَلِّحُ / الْكَسُولُ) (خرداد ١٤٥٣)

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَأِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ (✓) (✗):

٩٤٧ الصَّنمُ تِمَالٌ مِنْ حَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ. ☐ الصَّحِيح ☐ الْخَطَأُ (دى ٩٩)٩٤٨ عَلَّقَى إِبْرَاهِيمُ الْفَأْسَ عَلَى كَتِفِ أَصْغَرِ الْأَصْنَامِ. ☐ الصَّحِيح ☐ الْخَطَأُ (شهریور ١٤٥٥)٩٤٩ لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعُوبِ دِينٌ أَوْ طَرِيقَةٌ لِلْعِبَادَةِ. ☐ الصَّحِيح ☐ الْخَطَأُ (دى ١٤٥٥)٩٥٠ الْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالْدِّينِ. ☐ الصَّحِيح ☐ الْخَطَأُ٩٥١ كَانَ الْهَدَفُ مِنَ تَقْدِيمِ الْقَرَابِينَ لِلْأَصْنَامِ كَسَبَ رِضَا الرَّبِّ الْوَاحِدِ. ☐ الصَّحِيح ☐ الْخَطَأُ٩٥٢ الْحَنِيفُ يُشْرِكُ بِاللَّهِ شَيْئًا لَا يَسْتَطِيعُ مُسَاعَدَتَهُ. ☐ الصَّحِيح ☐ الْخَطَأُ٩٥٣ إِنَّ التَّدِينَ فِطْرِيٌّ فِي الْإِنْسَانِ. ☐ الصَّحِيح ☐ الْخَطَأُ٩٥٤ يَجْتَنِبُ الْعَاقِلُ عَنِ الصَّرَاعِ السُّدَى. ☐ الصَّحِيح ☐ الْخَطَأُ

اقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ:

«الْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ الَّتِي اكْتَشَفَهَا الْإِنْسَانُ تُؤَكِّدُ اهْتِمَامَ الْإِنْسَانِ بِالْدِّينِ وَ تَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ فِطْرِيٌّ فِي وَجُودِهِ وَ لِكِنَّ عِبَادَاتِهِ وَ شَعَائِرَهُ كَانَتْ خُرَافَتِيَّةً مِثْلَ تَعَدُّدِ الْآلِهَةِ.»

(دى ٩٧)

٩٥٥ مَنْ اكْتَشَفَ الْأَثَارَ الْقَدِيمَةَ؟ ٩٥٦ مَاذَا تُؤَكِّدُ الْأَثَارُ الْقَدِيمَةُ؟ (دى ٩٧)

٩٥٨ عَيْنِ اسْمِ مَصْدَرِ الْفِعْلِ الَّذِي تَحْتَهُ خَطٌّ:

٩٥٧ هَلْ تَكُونُ رَغْبَةُ الْإِنْسَانِ فِي الدِّينِ فِطْرِيًّا؟

آزمون ۱

سؤالات امتحان نهایی درس اول (۱)

شماره صفحات پاسخ: ۲۸۸ تا ۲۹۰

امتحان نهایی: عربی ۳		رشته: ریاضی فیزیک، علوم تجربی		تألیفی		مدت امتحان: ۸۰ دقیقه	
ردیف	سؤالات						نمره
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خُطٌّ: (الف) تِلْكَ الْقَرَابِينُ مُتَعَلِّقَةٌ بِجَدِّي. (ج) تَمَتَّى الْمَزَارِعُ لِنُزُولِ الْأَمْطَارِ الْكَثِيرَةِ. (ب) نَخَافُ عَذَابَ يَوْمِ الْبَعْثِ. (د) عُرِفَتْ تِلْكَ الْحَضَارَةُ مِنْ خِلَالِ الْكِتَابَاتِ.						۱
۲	عَيِّنِ الْمُتَضَادَّ لِكَلِمَةِ «أَسْوَأُ» وَ «حَزَبٌ» وَ الْمُتَرَادِفَ لِكَلِمَةِ «عَبَثَ» فِي الْجُمَلَاتِ التَّالِيَةِ: إِنَّ أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ. / أُرِيدُ لِكُلِّ النَّاسِ سَلَامًا فِي حَيَاتِهِمْ. / ﴿أَ يَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾ (الف) الْمُتَضَادَّ لِكَلِمَةِ «أَسْوَأُ»: (ب) الْمُتَضَادَّ لِكَلِمَةِ «حَزَبٌ»: (ج) الْمُتَرَادِفَ لِكَلِمَةِ «عَبَثَ»:						۰/۷۵
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْأُخْرَى (حَسَبِ الْمَعْنَى): ☐ (۱) حَدَّثَ ☐ (۲) كَلَّمَ ☐ (۳) حَدَّثَ ☐ (۴) قَالَ						۰/۲۵
۴	أَكْتُبْ مُفْرَدَ الْكَلِمَتَيْنِ لِمَا أُشِيرَ إِلَيْهِ بِخُطٍّ: يَا شَبَابُ عَلِّقُوا الْقُفُوسَ عَلَى أَكْتَافِكُمْ.						۰/۵
۵	إِتَّخِذِ الْجَوَابَ الصَّحِيحَ لِلْفَرَاغِ: (الف) تِمَثَّلَ مِنْ حَجَرٍ أَوْ خَشَبٍ أَوْ حَدِيدٍ يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ. (الْمَصْنُوعُ، الصَّنَمُ، الصَّانِعُ) (ب) الْمُنَافِقُ فِي الْحَيَاةِ شَقَاوَةً. (بَصِيرٌ، غَنِيٌّ، نَصِيبٌ)						۰/۵
۶	تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (الف) لَا صَنَمَ قَادِرٌ عَلَى مُسَاعَدَتِكُمْ. (۰/۵) (ب) إِنْ تَعْلَمُوا أَنَّكُمْ خُلِقْتُمْ مِنْ طِينَةٍ فَأَنْتُمْ لَا تَفْتَخِرُونَ بِنَسَبِكُمْ. (۰/۷۵) (ج) سَوْفَ يَزِدَادُ عَدَدَ الَّذِينَ يُقَدِّمُونَ الْقَرَابِينَ لِكَسْبِ رِضَا اللَّهِ. (۰/۷۵) (د) أَتَزَكُوا الشَّعَائِرَ الْخُرَافِيَّةَ لِأَنَّهَا تُبْعِدُكُمْ عَنِ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ وَ الدِّينِ الْحَقِّ. (۰/۷۵) (هـ) لَمَّا رَجَعَ النَّاسُ شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مُكَسَّرَةً وَ ظَنُّوا أَنَّ إِبْرَاهِيمَ هُوَ مُكَسِّرُ الْأَصْنَامِ. (۰/۷۵) (و) كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةٌ لَا تُدْرِكُ. (۰/۵) (ز) ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (۰/۷۵) (ح) قَدْ يُحَدِّثُنَا أَحِبَّتُنَا حَوْلَ مَشَاكِلِهِمْ فِي الْحَيَاةِ. (۰/۷۵) (ط) أَيْهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ إِنَّمَا النَّاسُ لِأُمٍّ وَ لِأَبٍ. (۰/۷۵) (ي) يَجِبُ عَلَيْنَا أَنْ نُقِيمَ وَجُوهَنَا لِلَّذِينَ الْحَقَّ لِنُكْسِرَ أَصْنَامَ الْخُرَافَاتِ. (۰/۷۵)						۷
۷	عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجِمَةِ: (الف) ﴿أَ أَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ﴾ ☐ (۱) ای ابراهیم آیا تو این «کار» را با خدایانمان کردی؟ ☐ (۲) ای ابراهیم چرا تو این «کار» را با خدایان کردی؟ (ب) ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ ☐ (۱) و کافران گفتند: ای کاش ما خاک بودیم. ☐ (۲) و کافر می گوید: ای کاش من خاک بودم.						۰/۵

آزمون ترم دوم (۶)

شماره صفحات پاسخ: ۳۲۷ تا ۳۲۸

ردیف	سؤالات	رشته: ریاضی فیزیک، علوم تجربی	تاریخ: خرداد ۱۴۰۳	مدت امتحان: ۸۰ دقیقه
نمره				
۱	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خُطٌّ: (الف) الدُّلْفَيْنُ حَيَوَانٌ لَبُونٌ يَعِيشُ فِي الْمَاءِ. (ج) هَذَا الْعَمَلُ جَدِيرٌ بِالْعَنَاءِ. (ب) أَحْضَرَ الْقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ (ع). (د) الْفَطْلُ الْجَائِعُ لَجَأً إِلَى أُمِّهِ.			
۲	عَيِّنِ الْمُتَضَادَّ وَ الْمُتَرَادِفَ فِي النَّصِّ التَّالِي: «أَعْجَبَ النَّاسُ مَنْ يَعْيشُ بِوَجْهَيْنِ وَ يَغْرُقُ فِي الْمَدْحِ وَ الدَّمِّ. وَ أَغْرَبَ مِنْهُ مَنْ يُدْنِبُ وَ هُوَ يَضْحَكُ لِأَنَّهُ سَيَدْخُلُ النَّارَ وَ هُوَ يَبْكِي.» (الف) = (ب) ≠ (ج) ≠			۰/۷۵
۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْغَرِيبَةَ: (۱) اللُّحُوم (۲) العِظَام (۳) الْأَعْيُن (۴) الْأَسْوَد (با تغییر)			۰/۲۵
۴	أَكْتُبِ الْجَمْعَ وَ الْمُفْرَدَ: (الف) جَمْعُ كَلِمَةِ «الْعَلَمُ»: (ب) مُفْرَدُ كَلِمَةِ «الصَّغَارُ»:			۰/۵
۵	إِنْخَبِ الْكَلِمَةَ الْمُنَاسِبَةَ لِلتَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةِ. (الف) أَكْبَرُ الْكَائِنَاتِ الْحَيَّةِ فِي الْعَالَمِ: (ب) شَخْصٌ لَا يَقُومُ بِأَدَاءِ وَاجِبَاتِهِ: (۱) السُّور (۲) الْحُوت (۳) الْعُشْب (۱) الْحَنِيف (۲) الْمُصَلِّح (۳) الْكَسُول			۰/۵
۶	تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (الف) «... يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (۰/۵) (ب) «وَ نُزِّلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا» (۰/۵) (ج) سَمَكَةُ السَّهْمِ أَطْلَقَتْ قَطْرَاتِ الْمَاءِ مُتَتَالِيَةً. (۰/۵) (د) لَا حَضَارَةَ إِلَّا وَ فِيهَا شَعَائِرُ دِينِيَّة. (۰/۷۵) (هـ) كُلُّ وَعَاءٍ يَضْبِقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وَعَاءَ الْعِلْمِ. (۰/۷۵) (و) الْأَصْنَامُ تَمَائِلُ مِنَ الْخَشَبِ أَوْ الْحَدِيدِ تُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللَّهِ. (۰/۷۵) (ز) لَمْ يَقْدِرِ الْفَرَزْدَقُ أَنْ يَكْتُمَ حُبَّهُ لَمَّا جَاءَ الْإِمَامُ (ع) لِلطَّوُافِ. (۰/۷۵) (ح) كُلُّ كَاتِبٍ قَدْ وَصَفَ الطَّبِيعَةَ بِأَوْصَافٍ لَا تُشَبِّهُ أَوْصَافَ الْكُتَّابِ الْآخَرِينَ. (۰/۷۵) (ط) الزَّرَافَةُ بِكَمَاءٍ لَيْسَتْ لَهَا أَحْبَالٌ صَوْتِيَّة. (۰/۷۵) (ي) كَانَ إِرْضَاءُ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لَا تُدْرَكُ بِسُهُولَةٍ. (۰/۵) (ك) وَصَلَ الزُّوَّارُ إِلَى الْمَطَارِ مُتَأَخِّرِينَ وَ مَا رَكَبُوا الطَّائِرَةَ. (۰/۵)			۷
۷	اِنْخَبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجَمَةِ: (الف) عِنْدَمَا يَتَأَكَّدُ الطَّائِرُ مِنْ خِدَاعِ الْعَدُوِّ، يَطِيرُ بَغْتَةً. (۱) هنگامی که پرنده بر فریب دشمن تأکید دارد، به ناگاه پرواز می کند. (۲) وقتی که پرنده از فریب دشمن مطمئن می شود، ناگهان پرواز می کند. (ب) «لَا يَبْتَاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (۱) قوم کافر فقط از رحمت خدا ناامید می شوند. (۲) فقط قوم کافر از رحمت خدا ناامید می شوند.			۰/۵

۸	كَمَلُ الْفَرَاعَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ: (الف) أَعْلَمُ أَنَّ خَيْرَ الْإِخْوَانِ أَقْدَمُهُمْ. (ب) وَ لَيْسَ قَوْلُكَ مِنْ هَذَا؟ بِضَائِرِهِ. (ج) ﴿إِنَّ لِلَّهِ يَحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا﴾	۱	می دانم که بهترین دوستان آن‌ها هستند. و این گفته تو که «این کیست؟» به او نیست. همانا خداوند کسانی را دوست دارد که در راه او
۹	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ: عَامِلٌ: رفتار کرد (الف) إِلَهِي، لَا تُعَامِلْ عِبَادَكَ بِالْعَدْلِ. (ج) لِمَ لَا تُعَامِلُونَ كَالْإِخْوَانِ؟ نَظَرٌ: نگاه کرد (د) أَنْظِرُوا إِلَى مَا قَالَ. (و) كُنْتُ قَدْ نَظَرْتُ إِلَى عَاقِبَةِ أَمْرِي. تَعَلَّمَ: یاد گرفت (ز) تَعَلَّمْنَا دَرْسًا لَنْ نَنْسَاهُ.	۲	(ب) هُوَ كَانَ يُعَامِلُ التَّلَامِيذَ بِصَدَاقَةٍ. (هـ) ﴿فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ﴾ (ح) قَدْ يَتَعَلَّمُ الْإِنْسَانُ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ.
۱۰	إِبْحَثْ عَنِ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ فِي هَذِهِ الْجُمْلِ: يَنْتَظِرُ الْوَالِدُ أَسْفَلَ الْجَبَلِ. - الصَّيَادُونَ مُعْجَبُونَ بِهَذِهِ السَّمَكَةِ. - رَأَيْتُ التَّلَامِيذَ فِي الْمَوْقِفِ. (الف) اسم الفاعل (ب) اسم المفعول (ج) اسم التفضيل (د) اسم المكان (هـ) اسم المبالغة تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (و) ﴿إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَحِيمٌ﴾ (ز) اِمْتَلَأَ الْمَلْعَبُ مِنَ الْمُتَفَرِّجِينَ قَبْلَ الْمُبَارَاةِ.	۲	
۱۱	مَيِّزْ فِي الْعِبَارَاتِ: الْكِتَابُ يُؤَثِّرُ فِي الْقَارِئِ تَأْثِيرًا عَمِيقًا. قَرَّرَ جَمِيعُ الطَّلَابِ أَلَّا يَقْرَؤُوا دَرْسًا إِلَّا الْعَرَبِيَّةَ. رَأَيْتُ الْبِنْتَ فَرِحَةً فِي الْبَيْتِ. (الف) الحال (ب) المستثنى منه (ج) المستثنى (د) المفعول المطلق (هـ) نوع المفعول المطلق	۱/۲۵	
۱۲	عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ: (الف) يَوْمَ الْعَدْلِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الْجَوْرِ عَلَى الْمَظْلُومِ. (ب) قَدْ يَحْفَرُ الْإِفْرِيقِيُّونَ التُّرَابَ الْجَافَّ لَصَيْدِ السَّمَكِ.	۱/۲۵	
۱۳	عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ لِلْعِبَارَاتِ: (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ) (لَيْتَنِي - تَكْبُرًا - هَوْنًا - لَكِنِّي) (الف) كُنْتُ أَتَمَنَّى: أَزُورُ مَكَّةَ الْمُكْرَمَةَ مَرَّةً أُخْرَى. (ب) ﴿وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا﴾	۵/۰	
۱۴	إِقْرَأِ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ: «إِنَّ مُزَارِعًا كَانَ لَهُ فَرَسٌ مَرِيضٌ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ وَقَعَ الْفَرَسُ فِي بئرٍ وَ حَاوَلَ الْمُزَارِعُ كَثِيرًا أَنْ يُخْرِجَ الْفَرَسَ مِنَ الْبئرِ وَ لَكِنَّهُ مَا اسْتَطَاعَ، لِذَلِكَ اتَّصَلَ بِأَصْدِقَائِهِ فَحَاوَلُوا كَثِيرًا لَكِنَّ الْفَرَسَ كَانَ ثَقِيلًا جِدًّا. قَرَّرَ الْمُزَارِعُ أَنْ يَدْفِنَ الْفَرَسَ فِي الْبئرِ فَالْقَى التُّرَابَ عَلَى رَأْسِهِ وَ ارْتَفَعَ التُّرَابُ تَحْتَ أَقْدَامِهِ فَخَرَجَ الْفَرَسُ فِي نَهَايَةِ الْأَمْرِ.» (الف) مَاذَا كَانَ يَمْلِكُ الْفَلَّاحُ؟ (ب) بِمَنْ اتَّصَلَ الْمُزَارِعُ؟ (ج) لِمَ مَا اسْتَطَاعَ الْأَصْدِقَاءُ أَنْ يُخْرِجُوا الْفَرَسَ؟ (د) أَيْنَ سَقَطَ الْفَرَسُ؟	۱	
۱۵	عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ: «يُحَاسَبُ الْبَخِيلُ فِي الْآخِرَةِ مُحَاسَبَةَ الْأَغْنِيَاءِ.» (الف) مُحَاسَبَةٌ: (۱) اسمٌ، مفردٌ، مؤنَّثٌ، مصدرٌ / مفعول مطلق (۲) اسمٌ، مفردٌ، مؤنَّثٌ، اسم مفعول / حال (ب) الْأَغْنِيَاءُ: (۱) اسمٌ، جمع تكسيرٍ، مَعْرَفٌ بِالْ / مضاف إليه (۲) اسمٌ، جمع، مذكَّرٌ، مَعْرَفٌ بِالْ / صفت	۵/۰	
۲۰	پایان		

- ۵۷۱- اِنْشِرَاحٌ - «اِنْشِرَاح» و «فَرَح» با هم مترادف و به معنای «شادمانی» هستند.
- ۵۷۲- الْأَقْوَام - «الْتَّقْوَش: کنده کاری‌ها»، «الرُّسوم: نقاشی‌ها» و «الْكِتَابَات: نوشته‌ها» با هم ارتباط معنایی دارند؛ اما «الْأَقْوَام: مردمان» با آن‌ها ارتباط معنایی ندارد.
- ۵۷۳- الطَّيْنَةُ - «الْفَضَّة: نقره»، «الذَّهَب: طلا» و «التَّحَاس: مس» با هم ارتباط معنایی دارند؛ اما «الطَّيْنَةُ: تکه گل» با آن‌ها ارتباط معنایی ندارد.
- ۵۷۴- الْأَعَاظِم - «الدُّمُوع: اشک‌ها»، «الْأَعصاب: عصب‌ها» و «الْعِظَام: استخوان‌ها» با هم ارتباط معنایی دارند؛ اما «الْأَعَاظِم: بزرگ‌ترها» از نظر معنایی تناسبی با سایر کلمات ندارد.
- ۵۷۵- الضَّيُوف - «اللُّحُوم: گوشت‌ها»، «الْعِظَام: استخوان‌ها» و «الْأَعْيُن: چشم‌ها» با هم ارتباط معنایی دارند؛ اما «الضَّيُوف: مهمان‌ها» از نظر معنایی تناسبی با سایر کلمات ندارد.
- ۵۷۶- الرَّسْم - «الْأُم: مادر»، «الْأَب: پدر» و «الْأُسْرَة: خانواده» با هم ارتباط معنایی دارند؛ اما «الرَّسْم: نقاشی» با آن‌ها ارتباط معنایی ندارد.
- ۵۷۷- الدَّنْب - «اللَّحْم: گوشت»، «الْعَظْم: استخوان» و «الدَّم: خون» با هم ارتباط معنایی دارند؛ اما «الدَّنْب: گناه» با آن‌ها ارتباط معنایی ندارد.
- ۵۷۸- التَّقَش - «الْقَوْم: قوم»، «التَّاس: مردم» و «الشَّعْب: ملت» با هم ارتباط معنایی دارند؛ اما «التَّقَش: کنده کاری» با آن‌ها ارتباط معنایی ندارد.
- ۵۷۹- كَسَرَ - «أَعَانَ» و «سَاعَدَ» و «نَصَرَ» همگی به معنی «کمک کرد» هستند اما «كَسَرَ: شکست» با آن‌ها ارتباط معنایی ندارد.
- ۵۸۰- الْأَصْنَام - «السَّكِينَةُ: آرامش»، «الْإِطْمِئْنَان: اطمینان یافتن» و «التَّأَكُّد: اطمینان یافتن» با هم ارتباط معنایی دارند؛ اما «الْأَصْنَام: بت‌ها» با آن‌ها ارتباط معنایی ندارد.
- ۵۸۱- الْحَرْب - «السَّلَام: آشتی»، «السَّرُور: خوشحالی» و «الْفَرَح: شادی» با هم ارتباط معنایی دارند؛ اما «الْحَرْب: جنگ» با آن‌ها ارتباط معنایی ندارد.
- ۵۸۲- التَّكْبِير - «الْأَدَب: ادب»، «الْحَيَاء: شرم» و «الْعَفَاف: پاکدامنی» با هم ارتباط معنایی دارند؛ اما «التَّكْبِير: خود بزرگ‌بینی» با آن‌ها ارتباط معنایی ندارد.
- ۵۸۳- الْكَافِر - «التَّذَيُّن: دینداری»، «العِبَادَة: بندگی» و «الْمُؤْمِن: مؤمن» با هم ارتباط معنایی دارند؛ اما «الْكَافِر: کافر» با آن‌ها ارتباط معنایی ندارد.
- ۵۸۴- هِجَ خدایی جز خداوند «یگانه» نیست. - «لَا» در «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، لَاي نفی جنس به معنای «هیچ نیست» می‌باشد.
- ۵۸۵- اندوهگین نباش: زیرا خداوند با ماست. - «لَا تَحْزَنْ» فعل نهی مخاطب به معنای «اندوهگین نباش» است.
- ۵۸۶- جز آنچه به ما آموخته‌ای، هیچ دانشی نداریم (برای ما نیست). - «لَا» در «لَا عَلِمَ لَنَا»، لَاي نفی جنس به معنای «هیچ» می‌باشد.
- ۵۸۷- با یکتاپرستی به دین روی آور. - «أَقِمَّ» فعل امر مخاطب از «تَقِيْم» به معنای «روی آور» است.
- ۵۸۸- آنان مانند یاقوت و مرجانند. - «كَأَنَّ» از حروف مشبّهة بالفعل به معنای «مانند» است.
- ۵۸۹- گفتند: او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید. - «حَرَّقُوا» فعل امر مخاطب از «تَحَرَّقُونَ» به معنای «بسوزانید» است. «انْصُرُوا» فعل امر مخاطب از «تَنْصُرُونَ» به معنای «یاری کنید» است.
- ۵۹۰- بی گمان خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند. - «لَا يُضِيعُ» فعل مضارع منفی به معنای «تباه نمی‌کند» است.
- ۵۹۱- ای پروردگار ما، آنچه را هیچ توانی نسبت به آن نداریم، بر ما تحمیل نکن. - «لَا تُحْمِلْ» فعل نهی مخاطب به معنای «تحمیل نکن» است. «لَا» در «لَا طَاقَةَ لَنَا» لَاي نفی جنس به معنای «هیچ» می‌باشد.
- ۵۹۲- و کافر می‌گوید: ای کاش من خاک بودم. - «لَيْتَ» از حروف مشبّهة بالفعل به معنای «کاش» است.

- ۵۳۸- ب - در عبارت، یک جمع مکسر وجود دارد: «الآثار: اثرها».
- ۵۳۹- ب - در عبارت، سه جمع مکسر وجود دارد: «الْجُهَال: نادانان»، «الْقَرَابِين: قربانی‌ها»، «الْأَصْنَام: بت‌ها».
- ۵۴۰- ب - در عبارت، دو جمع مکسر وجود دارد: «أَدْيَان: دین‌ها»، «العُصُور: زمان‌ها، زمانه‌ها».
- ۵۴۱- الف - در عبارت، دو جمع مکسر وجود دارد: «الْأَنْبِيَاء: پیامبران»، «أَقْوَام: قوم‌ها، مردمان».
- ۵۴۲- الف - در عبارت، دو جمع مکسر وجود دارد: «رِجَال: مردان»، «الْمَسَاكِين: درماندگان».
- ۵۴۳- ب - در عبارت، دو جمع مکسر وجود دارد: «الْأَسْئِلَة: پرسش‌ها»، «زُمَلَاء: هم کلاسی‌ها».
- ۵۴۴- الف - در عبارت، دو جمع مکسر وجود دارد: «أَفْكَار: اندیشه‌ها»، «الْأَوْرَاق: برگه‌ها».
- ۵۴۵- التَّرَاع - «الصَّرَاع» و «التَّرَاع» با هم مترادف و به معنای «کشمکش» هستند.
- ۵۴۶- أَضَاءٌ - «أَنَارٌ» و «أَضَاءٌ» با هم مترادف و به معنای «روشن کرد» هستند.
- ۵۴۷- الْمُؤَجَّد - «الْحَنِيف» و «الْمُؤَجَّد» با هم مترادف و به معنای «یکتاپرست» هستند.
- ۵۴۸- أَحْسَن - «أَسْوَأ: بدتر» و «أَحْسَن: بهتر» با هم متضاد هستند.
- ۵۴۹- الْبَيْت - «الدَّار» و «الْبَيْت» با هم مترادف و به معنای «خانه» هستند.
- ۵۵۰- التَّقَرُّب - «التَّجَنُّب: دوری کردن» و «التَّقَرُّب: نزدیکی جستن، نزدیک شدن» با هم متضاد هستند.
- ۵۵۱- أَشَاهِدُ - «أَرَى» و «أَشَاهِدُ» با هم مترادف و به معنای «می‌بینم» هستند.
- ۵۵۲- الشَّرَّ - «الْخَيْر: نیکی» و «الشَّرَّ: بدی» با هم متضاد هستند.
- ۵۵۳- ≠ - «الصَّرَاع: کشمکش» و «السَّلَم: صلح» با هم متضاد هستند.
- ۵۵۴- = - «الْإِسْتِهْزَاء» و «الشَّخَرِيَّة» با هم مترادف و به معنای «ریشخند کردن، مسخره کردن» هستند.
- ۵۵۵- ≠ - «الْكَافِر: کافر» و «الْحَنِيف: یکتاپرست» با هم متضاد هستند.
- ۵۵۶- ≠ - «الْمُفْتَرَس: شکارچی» و «الْأَهْلِي: اهلی» با هم متضاد هستند.
- ۵۵۷- ≠ - «الْحَيَاة: زندگی» و «الْمَوْت: مرگ» با هم متضاد هستند.
- ۵۵۸- = - «إِطْمَأَنَّ» و «تَأَكَّد» با هم مترادف و به معنای «اطمینان یافت» هستند.
- ۵۵۹- = - «الْجِدَاع» و «الْحَيْلَة» با هم مترادف و به معنای «نیرنگ، فریب» هستند.
- ۵۶۰- ≠ - «التَّارِك: ترک کننده» و «الْمُتَمَائِل: متمایل» با هم متضاد هستند.
- ۵۶۱- = - «الطَّرِيقَة» و «السَّيْرَة» با هم مترادف و به معنای «روش» هستند.
- ۵۶۲- ≠ - «التَّرَاع: کشمکش» و «السَّلَم: صلح» با هم متضاد هستند.
- ۵۶۳- الف - «الصَّرَاع: درگیری و کشمکش» و «السَّلَم: صلح» متضاد هستند.
- ۵۶۴- الف - «الْبَعْث» و «الْقِيَامَة» با هم مترادف و به معنای «رستاخیز» هستند. «الْقَائِمَة» به معنای «ایستاده، استوار» است.
- ۵۶۵- الف - «يَحْسِبُ» و «يُظَنُّ» با هم مترادف و به معنای «گمان می‌کند، می‌پندارد» هستند. «يَضْمُّ» به معنای «دربر می‌گیرد» است.
- ۵۶۶- الف - «الْمَرُصُوص» و «الْمُسْتَحْكَم» با هم مترادف و به معنای «استوار» هستند. «الْحُكُومَة» به معنای «فرمانروایی» است.
- ۵۶۷- ب - «الْحَنِيف: یکتاپرست» و «الْمُشْرِك» متضاد هستند.
- ۵۶۸- سَأَلَ - «سَأَلَ: پرسید» و «أَجَابَ: پاسخ داد» با هم متضاد هستند.
- ۵۶۹- نَقَصَ - «نَقَصَ: کم شد» و «إِزْدَادَ: افزایش یافت» با هم متضاد هستند.
- ۵۷۰- أَعْلَى - «أَسْفَلَ: پایین» و «أَعْلَى: بالا» با هم متضاد هستند.

۶۰۹ ما از (نگه) گلی آفریده شده ایم. پس نباید به دودمانمان (نسب) افتخار کنیم. - «خُلِقْنَا» فعل ماضی مجهول از «خَلَقْنَا» به معنای «آفریده شدیم» است. فراموش نکنیم که در ترجمه فعل مجهول، معمولاً از اشتقاقیات فعل «شدن» استفاده می‌کنیم.

۶۱۰ سپس تیر را بر شانه‌اش آویخت «انداخت» و پرستشگاه را ترک کرد. - نکته: در سؤالات ترجمه، به ضمایر منفصل و متصل دقت کنیم. مثال: «كَيْفَهُ: شانه‌اش».

۶۱۱ پرنده از نیرنگ دشمن مطمئن شده است. - نکته: چنانچه حرف «قَدْ» بر سر فعل ماضی بیاید؛ این فعل، به صورت ماضی نقلی ترجمه می‌شود. مثال: «قَدْ تَأَكَّدَ: مطمئن شده است».

۶۱۲ آثار قدیمی «یاستانی» بر توجّه انسان به دین تأکید می‌کند. - «تُوَكِّدُ» فعل مضارع به معنای «تأکید می‌کند» می‌باشد. فراموش نکنیم که فعل برای اسامی جمع غیرعاقل مانند «الآثار» به صورت مفرد مؤنث غائب می‌آید.

۶۱۳ اگر به مردم دشنام دهید، دشمنی میان آن‌ها را به دست می‌آورید. - «إِنْ» ادات شرط به معنای «اگر» است. «تَسْبُوْا» فعل شرط است و می‌توان آن را به صورت مضارع التزامی «دشنام دهید» ترجمه کرد.

۶۱۴ قرآن کریم با ما درباره سرگذشت پیامبران، سخن گفته است. - نکته: چنانچه حرف «قَدْ» بر سر فعل ماضی بیاید؛ این فعل، به صورت ماضی نقلی ترجمه می‌شود. مثال: «قَدْ حَدَّثَ: سخن گفته است».

۶۱۵ هیچ تمدّنی نیست، مگر اینکه در آن مراسمی دینی وجود دارد. - «لَا» در «لَا حَضَرَةَ» از نوع لای نفی جنس به معنای «هیچ ... نیست» می‌باشد.

۶۱۶ پرنده باهوش. جانور شکاری را نزدیک لانه‌اش می‌بیند. - «الطَّائِرُ الذَّكِيُّ» ترکیب وصفی به معنای «پرنده باهوش» می‌باشد.

۶۱۷ این مجسمه‌ها با تبری شکسته شد که صاحبش را نمی‌شناسیم.

۶۱۸ ابراهیم (ع) تلاش کرد که قومش را از عبادت بت‌ها نجات دهد. نکته: هرگاه پس از حرف «أَنْ» فعل مضارع بیاید؛ فعل مضارع به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود. مثال: «أَنْ يُنْقَذَ: که نجات دهد»

۶۱۹ بت‌ها، مجسمه‌هایی از چوب یا آهن است که به جای خدا پرستش می‌شود. - «تُعْبَدُ» فعل مضارع مجهول به معنای «پرستش می‌شود» است. فراموش نکنیم که در ترجمه فعل مجهول، معمولاً از اشتقاقیات فعل «شدن» استفاده می‌کنیم.

۶۲۰ ابراهیم (ع) همه بت‌ها را به جز بت بزرگ شکست. - «كَسَرَ» فعل ماضی به معنای «شکست» می‌باشد.

۶۲۱ هنگامی که مردم برمی‌گردند، بت‌های شکسته‌شان (شکسته‌شده‌شان) را می‌بینند. - نکته: هرگاه اسمی هم صفت و هم مضاف الیه بگیرد؛ در زبان عربی بر خلاف زبان فارسی ابتدا مضاف الیه و پس از آن صفت می‌آید. مثال: «أَصْنَامُهُمُ الْمَكْسُورَةُ: بت‌های شکسته‌شان»

۶۲۲ این خرافات در دین‌های مردم در گذر زمان‌ها افزایش یافت. - نکته: اسم اشاره برای اسامی جمع غیرعاقل مانند «الْخُرَافَاتُ» به صورت مفرد مؤنث «هَذِهِ، تِلْكَ» می‌آید. مثال: «هَذِهِ الْخُرَافَاتُ: این خرافات»

۶۲۳ هر غذایی که نام خدا بر آن یاد نشود «یاد نمی‌شود»، هیچ برکتی در آن نیست. - نکته: هرگاه پس از «كُلُّ» اسم مفرد بیاید؛ «كُلُّ» به معنای «هر» می‌باشد. مثال: «كُلُّ طَعَامٍ: هر غذایی» - «لَا يَذْكُرُ» فعل مضارع مجهول به معنای «یاد نمی‌شود، یاد نشود» است. فراموش نکنیم که در ترجمه فعل مجهول، معمولاً از اشتقاقیات فعل «شدن» استفاده می‌کنیم.

۶۲۴ حق را از اهل باطل بگیرد و باطل را از اهل حق نگیرد. - «خَذُوا» فعل امر از «تَأْخُذُونَ» به معنای «بگیرید» است. «لَا تَأْخُذُوا» فعل نهی از «تَأْخُذُونَ» به معنای «نگیرید» است.

۵۹۳ آیا انسان گمان می‌کند (می‌پندارد) که بیهوده رها شود؟ - «أَنْ يُتْرَكَ» فعل مضارع مجهول است که به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود «که رها شود». فراموش نکنیم که در ترجمه فعل مجهول، معمولاً از اشتقاقیات فعل «شدن» استفاده می‌کنیم. - نکته: هرگاه پس از حرف «أَنْ» فعل مضارع بیاید؛ فعل مضارع به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود.

۵۹۴ ای ابراهیم، آیا تو این «کار» را با خدایانمان انجام دادی؟ - «آلِهَةً» اسم جمع مکسر به معنای «خدایان» است. «فَعَلْتَ» فعل ماضی از صیغه مفرد مذکر مخاطب به معنای «انجام دادی» است.

۵۹۵ بی‌گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم؛ امید است شما خردورزی کنید. نکته: هرگاه پس از حرف «لَعَلَّ» فعل مضارع بیاید؛ فعل مضارع به صورت مضارع التزامی ترجمه می‌شود. مثال: «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ: امید است شما خردورزی کنید»

۵۹۶ گفت: می‌دانم که خدا بر هر چیزی توانا است. - «أَعْلَمُ» فعل مضارع از صیغه متکلم وحده به معنای «می‌دانم» است.

۵۹۷ گویی خشنود ساختن همه مردم، هدفی است که به آسانی به دست آورده نمی‌شود. - «كَأَنَّ» از حروف مشبّهة بالفعل به معنای «گویی» است. «لَا تُدْرِكُ» فعل مضارع مجهول به معنای «به دست آورده نمی‌شود» است. فراموش نکنیم که در ترجمه فعل مجهول، معمولاً از اشتقاقیات فعل «شدن» استفاده می‌کنیم.

۵۹۸ و این، روز رستاخیز است ولی شما نمی‌دانستید. - نکته: هرگاه «كَانَ» بر سر فعل مضارع بیاید، با فعل «ماضی استمراری» روبه‌رو هستیم. مثال: «كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ: نمی‌دانستید».

۵۹۹ آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند، برابر هستند؟ نکته: فعل مضارع به وسیله «لَا» منفی می‌شود. مثال: «لَا يَعْلَمُونَ: نمی‌دانند».

۶۰۰ و کسانی را که به جای خدا فرا می‌خوانند دشنام ندهید. زیرا که به خدا دشنام دهند. - نکته: برای ساختن فعل نهی مخاطب، «لای نهی» را بر سر فعل مضارع از صیغه مخاطب می‌آوریم و آخر فعل را ساکن می‌کنیم و «ن» آخر فعل را به جز در صیغه جمع مؤنث حذف می‌کنیم. مثال: «لای نهی + تَسْبُونَ = لَا تَسْبُونَ: دشنام ندهید»

۶۰۱ بی‌گمان خدا دارای بخشش بر مردم است، ولی بیشتر مردم سپاس‌گزاری نمی‌کنند. - نکته: فعل مضارع به وسیله «لَا» منفی می‌شود. مثال: «لَا يَشْكُرُونَ: سپاس‌گزاری نمی‌کنند».

۶۰۲ همانا خدا کسانی را که در راه او در یک صف می‌جنگند دوست دارد؛ گویی که ایشان ساختمان‌های استوارند. - «كَأَنَّ» از حروف مشبّهة بالفعل به معنای «گویی» است.

۶۰۳ گفته شد: وارد بهشت شو. گفت: ای کاش قوم من می‌دانستند که پروردگار مرا آمرزیده است و از گرامیان قرار داده است. - «قِيلَ» فعل ماضی مجهول به معنای «گفته شد» است. فراموش نکنیم که در ترجمه فعل مجهول، معمولاً از اشتقاقیات فعل «شدن» استفاده می‌کنیم. «أُدْخِلَ» فعل امر از «تَدْخُلُ» به معنای «وارد شو» است.

۶۰۴ هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست. - نکته: «لَا» در «لَا فَقْرَ» از نوع لای نفی جنس به معنای «هیچ» است.

۶۰۵ هیچ دینی ندارد، کسی که هیچ «وفای به» عهدی «پیمانی» ندارد. - «لَا» در «لَا دینَ» و «لَا عَهْدَ لَهُ» از نوع لای نفی جنس به معنای «هیچ» می‌باشد.

۶۰۶ هیچ لباسی زیباتر از تندرستی نیست. - «لَا» در «لَا لِبَاسَ» از نوع لای نفی جنس به معنای «هیچ ... نیست» می‌باشد.

۶۰۷ مدیر پاسخ داد: هیچ دانش‌آموزی اینجا نیست. - «لَا» در «لَا طَالِبَ هُنَا» از نوع لای نفی جنس به معنای «هیچ ... نیست» می‌باشد.

۶۰۸ هیچ خبری در گفتاری نیست؛ مگر اینکه همراه کردار باشد. - «لَا» در «لَا خَيْرَ فِی قَوْلٍ» از نوع لای نفی جنس به معنای «هیچ ... نیست» می‌باشد.